



## سیدابوالقاسم موسوی خویی

سید ابوالقاسم خویی (۱۲۷۸-۱۳۷۱ ش/۱۳۱۷-۱۴۱۳ ق)، مرجع تقلید شیعه، فقیه، اصولی‌میزز و رجالی صاحب‌نام معاصر و دارای آثاری برجسته در **فقه**، **اصول**، **رجال** و **علوم قرآنی** بود. شاخص‌ترین و تأثیرگذارترین استادان ایشان به گفته خود او، **ملافتح‌الله شریعت اصفهانی**، **مهدی‌مازندرانی**، **آقاضیاءالدین عراقی**، **محمدحسین غروی اصفهانی** کمپانی و **محمدحسین نائینی** بوده‌اند. بسیاری از عالمان طراز اول **نجف**، از جمله علمای مکتور **اجتهاد** خویی را تأیید و پس از درگذشت **آیت‌الله بروجرودی مرجعیت** او به‌طور جدی مطرح و پس از درگذشت **آیت‌الله حکیم**، ایشان مرجع برتر شناخته شد.

خویی از سال‌های نخست تحصیل به تدریس نیز اهتمام فراوان داشت و مدرّس عالی‌رتبه **حوزه علمیه نجف** شد و حدود شصت سال این کرسی را در اختیار و در این مدت چند دوره اصول فقه و یک دوره کامل ابواب فقهی را تدریس کرد که امری نادر است. وی در مبانی اصول فقه امامیه دگرگونی‌هایی پدید آورد و در این عرصه علاوه بر تبیین، تقویت و گسترش برخی از دیدگاه‌های استادانش یا اصولیان پیشین، با ابتکار خود به نظریات نوینی دست یافت. از آیت‌الله خویی آثار متعددی در حوزه‌های گوناگون، به‌ویژه **فقه**، **اصول**، **رجال**، **تفسیر** و **علوم قرآنی** برجای مانده است. **معجم رجال الحدیث**، **البیان فی تفسیر القرآن**، **منهاج الصالحین**، **نفحات الاعجاز**، **مستند العروة الوثقی** و ... از جمله این آثاراند.

برخی از ویژگی‌های اخلاقی آیت‌الله خویی را، علاوه بر زندگی ساده و بی‌آلایش و رعایت زی طلبگی چنین برشمرده‌اند: **پردیاری**، **تواضع**، احترام گذاشتن به مراجع‌کنندگان، پیشی گرفتن در سلام کردن، تکریم بزرگان و عالمان، به‌ویژه مراجع تقلید معاصرش. خویی به **تبلیغ دین**، ترویج علوم اسلامی و یاری رساندن به نیازمندان بسیار اهمیت می‌داد؛ از این‌رو خدمت اجتماعی وی گسترده بود و مؤسست خیریه زیادی در کشورهای مختلف به یادگار گذاشت.

ایشان در رابطه با **حکومت پهلوی** و اقدامات آن بر علیه علما، مراجع و مردم، در حمایت از مردم و مراجع تقلید بیانی‌های علیه حکومت صادر می‌نمود. او پس از **پیروزی انقلاب** نیز همین موضع را حفظ کرد، چنان‌که در جریان همپرسی **نظام جمهوری اسلامی**، در فروردین ۱۳۵۸، مردم را به شرکت در همپرسی و رأی دادن به جمهوری اسلامی فرخواند. در **جنگ عراق با ایران**، نیز به‌رغم فشار شدید دولت **عراق**، ایستادگی کرد و کمترین حمایتی از آنان نکرد و همواره در مقابل حکومت بعث ایستادگی می‌نمود.

## فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - تحصیلات
- ۳ - اجازه روایت
- ۴ - تدریس و شاگردان
  - ۴.۱ - سبک تدریس
  - ۴.۲ - محل تدریس
  - ۴.۳ - شیوه و ویژگی‌ها
- ۵ - هیئت استفتا
- ۶ - آغاز مرجعیت
- ۷ - ویژگی‌های اخلاقی
- ۸ - مواضع و فعالیت‌های سیاسی
  - ۸.۱ - دوره اعتراض و واکنش شدید
  - ۸.۲ - دوره سکوت
  - ۸.۳ - دوره همراهی با انقلابیون
- ۹ - آرا و دیدگاه‌ها
  - ۹.۱ - مخالفت با شهرت فتوایی
  - ۹.۲ - عدم حجیت اجماع
  - ۹.۳ - فتاوی مخاف با فتاوی مشهور
  - ۹.۴ - اعتماد به خبر صحیح و حجیت خبر تقه
  - ۹.۵ - تحریف‌ناپذیری قرآن
- ۱۰ - تحول در حوزه علمیه
- ۱۱ - آثار
  - ۱۱.۱ - تقریرات درس‌های استادان خوئی
  - ۱۱.۲ - تقریرات درس‌های خود
    - ۱۱.۲.۱ - تقریرات چاپ شده اصول فقه
    - ۱۱.۲.۲ - تقریرات مبتنی بر مکاسب
    - ۱۱.۲.۳ - تقریرات مبتنی بر عروة الوثقی
  - ۱۱.۳ - تألیفات و رساله‌های علمی
    - ۱۱.۳.۱ - آثار غیر فقهی
    - ۱۱.۳.۲ - آثار فقهی
    - ۱۱.۳.۳ - رساله‌های عملیه و فتاوی
- ۱۲ - خدمت اجتماعی
  - ۱۳ - فرزندان
    - ۱۳.۱ - سیدجمال‌الدین
    - ۱۳.۲ - سیدمحمدتقی
    - ۱۳.۳ - سیدعبدالمجید
  - ۱۴ - وفات
  - ۱۵ - فهرست منابع
  - ۱۶ - پانویس
  - ۱۷ - منبع

## معرفی اجمالی

سید ابوالقاسم خوئی، مرجع تقلید شیعیان، فقیه و اصولی میرز و رجالی صاحب‌نام معاصر و دارای آثاری برجسته در فقه، اصول، رجال و علوم قرآنی است. او به گفته خود،<sup>[۱]</sup> خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۲۰.  
در ۱۵ رجب ۱۳۱۷ (۱۲۷۸ش) در خوی در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. نسبش به امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) می‌رسد؛ از این رو در معجم رجال الحدیث،<sup>[۲]</sup> خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۲۰.  
خود را موسوی خوئی نامیده و در موارد دیگر نیز با همین عنوان امضا کرده است. برخی منابع، نجفی را نیز به این عنوان افزوده‌اند.<sup>[۳]</sup> امینی، محمدهادی، معجم رجال الفکر و الالب فی النجف خلال الف عام، ج ۶، ص ۵۵، نجف ۱۳۸۴/۱۹۶۴.  
آقایزرگ طهرانی، محمدحسن، طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، قسم ۱، ص ۷۱، مشهد، قسم ۱-۴، ۱۴۰۴.  
مشار، خانبابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۰، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ش.<sup>[۵]</sup>

پدرش، سید علی اکبر، فرزند سیدهاشم (نخستین فرد این خاندان که در خوی اقامت گزید) در ۱۲۸۵ در خوی به دنیا آمد و در ۱۳۰۷ برای آموختن علوم دینی به عتبات عالیات عراق رفت.

وی در نجف نزد استادانی چون محمد بن فضل‌علی شربیانی

<sup>[۶]</sup> «المرجعية المتميزة للامام الخوئی»، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

و محمدحسن مامقانی درس خواند. در ۱۳۱۵ به خوی بازگشت. در پی ماجراهایی پس از مشروطه، در ۱۳۲۸ به نجف هجرت کرد و از اطرافیان سید محک‌نظم طباطبائی یزدی شد. سید علی‌اکبر خوئی در ۱۳۴۶ به ایران بازگشت و در مسجد جامع گهر شاد مشهد به اقامه نماز جماعت پرداخت. در ۱۳۱۴ش در پی خیزش مردم مشهد در اعتراض به جریان کشف حجاب، خیزشی که او نیز از سردمداران آن بود، تبعید شد. او پس از برکناری رضاشاه دوباره امام جماعت مسجد گهر شاد شد. سیدعلی‌اکبر در ۱۳۳۱ش، هنگامی که برای زیارت به نجف رفته بود درگذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد. تقریرات درس اصول شربیانی از آثار اوست.

<sup>[۷]</sup> آقایزرگ طهرانی، محمدحسن، طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، قسم ۴، ص ۱۶۰۹-۱۶۱۰، مشهد، قسم ۱-۴، ۱۴۰۴.

<sup>[۸]</sup> انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۵۵۵۴، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

<sup>[۹]</sup> خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۲۰.

مشهورترین فرزندان سید ابوالقاسم خویی که از عالمان دینی بودند، عبارت‌اند از: سید جمال‌الدین، سید محمدتقی، سید عبدالمجید و سید علی.

## تصنیفات

سیدابوالقاسم در خوی درس‌های مقدماتی را فراگرفت، سپس به همراه برادرش، سیدعبدالله (عالم دینی و از مدرّسان مقیم **کربلا**)، و سایر اعضای خانواده در ۱۳۳۰ به پدرش در نجف پیوستند.

[۱۰] **خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۰.**  
در نجف پس از تکمیل دروس مقدماتی و آموزش **ادبیت عرب** متون فقهی و اصولی و نیز **فلسفه** را نزد استادان بسیاری، از جمله پدرش، **میرزا علی‌آقا شیرازی**

[۱۱] شیرازی، رضی، «مصلحیه با آیت‌الله سیدرضی شیرازی»، ج ۱، ص ۱۷، حوزه، سال ۹، ش ۲ و ۳ (خرداد - شهریور ۱۳۷۱).

[۱۲] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خویی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۵۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).  
و **عبدالکریم زنجانی**

[۱۳] خان‌محمدی، یوسف، اندیشه سیاسی شیخ عبدالکریم زنجانی، ج ۱، ص ۳۷، قم ۱۳۸۸ ش.

آموخت. در ۱۳۳۸ **دروس خارج** فقه و اصول را آغاز کرد و نزد استادان ممتاز نجف درس خواند. او در **زندگینامه** خود نوشتش در معجم رجال الحديث

[۱۴] **خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۰۲.**

از **ملافتح‌الله شریعت اصفهانی** (مشهور به شیخ‌الشریعه)، **مهدی مازندرانی**، **آقاضیاءالدین عراقی**، **محمدحسین اصفهانی** (مشهور به محقق اصفهانی) و **محمدحسین نائینی** به‌عنوان شلخص‌ترین و تأثیرگذارترین استادان خود در دوره خارج نام برده و تصریح کرده که نزد دو نفر اخیر بیش‌تر درس خوانده و از هریک از آن دو، یک دوره کمال اصول فقه و چندین مبحث فقهی را فراگرفته است.

[۱۵] حسینی همدانی، محمد، «مصلحیه با استاد آیت‌الله حسینی همدانی (نجفی)»، ج ۱، ص ۳۷، حوزه، سال ۵، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷).

[۱۶] جعفری همدانی، غلامحسین، «مصلحیه با آیت‌الله میرزاغلامحسین جعفری همدانی»، ج ۱، ص ۲۸، حوزه، سال ۹، ش ۴ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

خویی علاوه بر فقه و اصول، به فراگیری علوم دیگر نیز پرداخت. او در **زندگی‌نامه** یاد شده فقط از استادان ممتازش در فقه و اصول نام برده است، ولی قطعاً **محمدجواد بلاغی**، استاد وی در **کلام، تفسیر و علوم قرآنی** و فن مناظره،

[۱۷] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خویی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۵۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

[۱۸] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۴۷-۴۶، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خویی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خویی، ۱۳۷۲ ش. بسیار بر او تأثیر گذاشته است تا آن‌جا که شاید بتوان بخش مهمی از دو کتاب **البیان** و **نفحات الاعجاز** را عصاره آموخته‌های خویی از بلاغی به‌شمار آورد. او در **البیان**

[۱۹] **خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۰.**

[۲۰] **خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۵.**

[۲۱] **خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۸.**

[۲۲] **خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۰۰.**

[۲۳] **خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۸۴.**

و **نفحات الاعجاز**

[۲۴] **خویی، سید ابوالقاسم، نفحات الاعجاز، ص ۷.**

[۲۵] **خویی، سید ابوالقاسم، نفحات الاعجاز، ص ۲۹.**

[۲۶] **خویی، سید ابوالقاسم، نفحات الاعجاز، ص ۴۲.**

[۲۷] **خویی، سید ابوالقاسم، نفحات الاعجاز، ص ۴۴.**

، بارها از بلاغی و اثر مهم او، **الهدی الی دین المصطفی**، یاد کرده است. برخی تعبیر او در **البیان**

[۲۸] **خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۵، پانویس ۱.**

[۲۹] **خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۸، پانویس ۱.**

به شاکردی وی نزد بلاغی اشاره دارد. شماری دیگر از استادان خویی عبارت‌اند از: **سیدابو تراب خوانساری** در **رجال و درایه؛ سیدحسین بادکوبی** در **حکمت و فلسفه؛ سید علی قاضی** و **شیخ مرتضی طالقانی** و **سید عبدالغفار مازندرانی** در **اخلاق و سیر و سلوک**؛ و **سید ابوالقاسم خوانساری** در ریاضیت قدیم.

[۳۰] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۴۷، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خویی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خویی، ۱۳۷۲ ش.

[۳۱] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خویی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۵۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

[۳۲] حسینی همدانی، محمد، «مصلحیه با استاد آیت‌الله حسینی همدانی (نجفی)»، ج ۱، ص ۳۶، حوزه، سال ۵، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷).

[۳۳] حسینی همدانی، محمد، «مصلحیه با استاد آیت‌الله حسینی همدانی (نجفی)»، ج ۱، ص ۴۹-۴۸، حوزه، سال ۵، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷).

[۳۴] صغیر، محمد، اساطین المرجعیه الغلیبا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۸۰، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.

## اجازه روایت

گفته شده استحداد خویی در زمینه هندسه فوق‌العاده بوده است.

[۳۵] شاکری، حسین، ذکریاتی، ج ۱، ص ۵۳، قم ۱۴۱۸-۱۴۲۴.

خویی

[۳۶] **خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۱، پانویس ۱، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.**

گفته است که به چند طریق، **اجازه روایت کتب اربعه** و دیگر جوامع حدیثی شیعه را دارد که یکی از این طرق از استنادش نائینی آغاز می‌شود. از دیگر مشایخ روایی او **سیدعبدالحسین شرف‌الدین عاملی** است که از طریق او آثار عالمان **اهلسنت** را نیز روایت کرده است.

[۳۷] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خویی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۵۸، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ ش تا ۱۳۱۲ ش بسیاری از عالمان طراز اول نجف، از جمله نائینی، محمدحسین اصفهانی، آقاضیاءالدین عراقی، محمدجواد بلاغی، میرزا علی شیرازی و **سیدابوالحسن اصفهانی اجتهاد** خویی را تأیید کردند.

[۳۸] حکمی، مرتضی، «حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خویی: پیشوای حوزه علمیه و مرجع عظیم‌الشان»، ج ۱، ص ۶۱، مسجد، سال ۱، ش ۵ (شهریور - مهر ۱۳۷۱).

خوبی از سال‌های نخست تحصیل به تدریس نیز اهتمام فراوان داشت

- [۳۹] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۶۰۵-۶۰۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- [۴۰] حسینی همدانی، محمد، «مصلحی با استاد آیت‌الله حسینی همدانی (نجفی)»، ج ۱، ص ۵۴، حوزه، سال ۵، ش ۶ (بهمین و اسفند ۱۳۶۷).
- و قطعاً در دهه چهارم زندگی، مدرّس عالی‌رتبه **حوزه علمیه نجف** شد و حدود شصت سال این کرسی را در اختیار داشت. او در این مدت چند دوره اصول فقه و یک دوره کامل ابواب فقهی را تدریس کرد که امری نادر است.
- [۴۱] شریف، سعید، «قیس من نور: تلامذة السید الخوئی دامظله»، ج ۱، ص ۱۰۰۳، الموسوم، ش ۷ (۱۹۹۰).
- [۴۲] مددی، احمد، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مددی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- [۴۳] ایروانی، باقر، «مرجعیة الامام الخوئی (قیس‌سره): السملت و المعلم»، ج ۱، ص ۲۲۸، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

مجموعه شاگردان خوبی به چند نسل تعلق دارند.

- [۴۴] حسینی میلانی، فاضل، «المرجعیة المتمیزة للامام الخوئی»، ج ۱، ص ۱۰۸۱-۱۰۸۲، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۴۵] قائینی، محمد، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قائینی»، ج ۱، ص ۲۲۲، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- به گزارش منابع، در نخستین دوره درس خارج اصول خوبی کسانی چون **محمدتقی ایروانی**، **سلمان خاقانی**، **سیدمحمد روحانی**، **علی خاقانی** (مشهور به صغیر) و **سیدمحمد کلانتر** حضور داشتند. درباره تعداد شاگردان این دوره اختلاف‌نظر وجود دارد.
- [۴۶] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۲، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
- [۴۷] مددی، احمد، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مددی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- محمدتقی بهجت** نیز از شاگردان متقدم خوبی بوده است.
- [۴۸] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۳۵، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
- [۴۹] قائینی، محمد، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قائینی»، ج ۱، ص ۲۲۲، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

به گزارش محمد صغیر

- [۵۰] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۶۵، پانویس ۲، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
- خوبی حدوداً در ۱۳۲۳ ش، به دعوت **حاج آقا حسین قمی**، مرجع بزرگ مقیم **کربلا**، برای تدریس به کربلا رفت و سه سال در آنجا ماند و پس از درگذشت قمی (۱۳۲۵ ش) به نجف بازگشت. جعفری همدانی
- [۵۱] جعفری همدانی، غلامحسین، «مصلحی با آیت‌الله میرزاغلامحسین جعفری همدانی»، ج ۱، ص ۳۳-۳۴، حوزه، سال ۹، ش ۴ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- نیز این رویداد را با تفاوت‌هایی گزارش کرده است.
- خوبی همچنین در سال‌های ۱۳۱۰ ش و ۱۳۲۸ ش، برای **زیارت مرقد امام رضا (علیه‌السلام)**، به **ایران** رفت و در **قم** و **تبریز** نیز توقف کرد. در سفر اول در قم بر **امام خمینی**، که در آن زمان از مدرّس‌ان و فضالای حوزه جدید قم بود، وارد شد و به‌عنوان یکی از شاگردان برجسته نائینی محلّ توجه علمای قم قرار گرفت.
- [۵۲] شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، قم ۱۳۸۹ ش.
- در سفر دوم، نیز که هم‌زمان با زعامت **بروجردی** بود، مورد توجه علما و فضالای حوزه قرار گرفت و با بزرگان حوزه، از جمله **بروجردی** و **محقق داماد** دیدار کرد.
- [۵۳] شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، قم ۲، ص ۳۲۳، قم ۱۳۸۹ ش.
- [۵۴] شریف رازی، محمد، آثار الحجة، ج ۲، ص ۲۶-۲۵، یا، تاریخ و دائرةالمعارف حوزه علمیه قم، قم ۱۳۳۲-۱۳۳۳ (ش).
- براساس برخی گزارش‌ها، خوبی مقام علمی بروجردی را ستوده است. خوبی خود از این دو سفر و نیز تشریف به **حج** در ۱۳۱۳ ش یاد کرده است.
- [۵۵] **خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۰-۲۵.**

پس از درگذشت نائینی در ۱۳۱۵ ش و محقق اصفهانی و افاضیاء عراقی در ۱۳۲۱ ش، مجلس درس خوبی یکی از درس‌های مهم حوزه نجف و به‌تدریج پررونق‌ترین محفل علمی و درسی شد. حتی با وجود مراجع و استادانی چون **سیدعبداله‌الدی شیرازی**، **سیدمحمد شاهرودی** و **سیدمحسن حکیم**، درس خوبی در حوزه نجف محوریت یافت و تعطیل یا برقرار شدن درس او، اثری آشکار بر جریان درسی حوزه می‌گذاشت.

- [۵۶] شریف رازی، محمد، آثار الحجة، ج ۲، ص ۲۸، یا، تاریخ و دائرةالمعارف حوزه علمیه قم، قم ۱۳۳۲-۱۳۳۳ (ش).
- [۵۷] شریف رازی، محمد، آثار الحجة، ج ۲، ص ۲۹۵-۲۹۴، یا، تاریخ و دائرةالمعارف حوزه علمیه قم، قم ۱۳۳۲-۱۳۳۳ (ش).
- [۵۸] یثربی، میرمحمد، «سرانجام مکتب دوگانه علامه وحید بهبهانی و شیخ مرتضی انصاری چه شد؟»، ص ۲۲۶، (مصلحی)، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- [۵۹] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۶۱، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- [۶۰] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۷۵، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- بعدها خوبی به «زعیم حوزه علمیه» ملقب شد که گفته‌اند مورد تأیید آیت‌الله حکیم هم قرار گرفت.
- [۶۱] موسوی خلخالی، محمد مهدی، «السید ابوالقاسم الخوئی: الفقیه و الاصولی»، ص ۲۲۱، در الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۶۲] داوری، مسلم، «الامام الخوئی زعیم الحوزة العلمية»، ج ۱، ص ۲۲۳، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۶۳] ایروانی، محمدتقی و محمد مهدی موسوی خلخالی، رساله فی احکام الرضاع فی فقه الشیعة، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، در موسوعه الامام الخوئی، ج ۴۹، قم مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰/۲۰۰۹.

← سبک تدریس

از خوبی نقل شده است که وی در مقام تدریس، نخست تمام همت خود را بر **اصول فقه** متمرکز کرده بود تا یک دوره اصول را به‌طور کامل و جامع، به اصحاب درس خود انتقال دهد و سپس به سراغ **فقه** رود.

- [۶۴] مددی، احمد، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مددی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- تأمل در تاریخ نگارش و انتشار تقریرات گوناگون درس‌ها و نیز تاریخ تقریظ‌های خوبی بر این آثار نیز مؤید این مطلب است. خوبی
- [۶۵] **خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۰-۲۵.**
- شش دوره کامل خارج اصول تدریس کرد و دوره هفتم، به‌سبب اشتغال او به **مرجعیت**، تنها تا مبحث صدّ ادامه یافت، ولی درس خارج فقه او به مدت شصت سال، پیوسته برقرار بود.
- [۶۶] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۶۶، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
- مباحث دوره ششم درس خارج اصول و نیز بسیاری از مباحث فقهی او ضبط شده است. درس خارج اصول او به منزله شرح و نقادی کتاب **کفایة الاصول** تألیف **آخوند ملامحمدکاظم**

خراسانی بود؛ وی نخست به بررسی آرای مؤلف می‌پرداخت و سپس آرای دانشمندی را که نظرشان در این کتب مطرح شده، بررسی می‌کرد، از جمله آرای محمدحسین اصفهانی صاحب فصول، مجتبی اصفهانی صاحب هدایة المسترشدین، میرزای قهی صاحب قوانین الاصول و شیخ انصاری، آنگاه آرای معاصران و شاگردان برجسته آخوند و استادان خود از جمله نائینی، محقق اصفهانی و آقاضیاء عراقی را نقل می‌کرد و سرانجام رأی خویش را بیان می‌کرد.

[۴۷] گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خویی»، ج ۱، ص ۲۰۵، تحقیقت اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).

[۴۸] موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من لجلال الامام الخوئی (فلسفه) لاسانتنه»، ج ۱، ص ۴۵، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

در خارج فقه، خویی نخست بر محور مکاسب شیخ انصاری و مصباح الفقیه حاج آقا رضا همدانی و از ۱۳۳۶ ش بر محور عروة الوثقی، اثر مشهور سید محمدکاظم طباطبائی یزدی، تدریس می‌کرد.

[۴۹] خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۲۲.

[۷۰] گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خویی»، ج ۱، ص ۲۰۵، تحقیقت اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).

به نظر غروی تبریزی،

[۷۱] غروی تبریزی، علی، الطهارة، ج ۲، ص ۱، مقدمه، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خویی، در موسوعه الامام الخوئی، ج ۲، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰. از آن رو کتب عروة الوثقی محور درس خویی قرار گرفت که مشتمل بر فروع مهم و مسائل فراوان و مورد ابتلا بود. خویی در درس فقه نیز پس از نقل دیدگاه‌های شماری از فقیهان متقدم و متأخر و نیز صاحب عروة الوثقی (اثر محور) و شروح و حواشی مهم آن، نظر برگزیده خود را بیان و مدلل می‌کرد.

[۷۲] گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خویی»، ج ۱، ص ۲۰۵، تحقیقت اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).

## ← محل تدریس

نخستین دوره درس خویی در مقبره‌ای در حرم امام علی (علیه‌السلام) تشکیل شد، ولی پس از چند تغییر مکان به‌سبب فزونی شاگردانش مسجد خضراء، در جوار حرم، محل ثابت تدریس و دیگر فعالیت‌های علمی و اجتماعی و مذهبی او شد. در سال‌های پایانی، مجلس درس فقه وی در مدرسه دینی دارالعلم که خود ساخته بود، تشکیل می‌شد.

[۷۳] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۳۰۴-۳۰۰، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.

## ← شیوه و ویژگی‌ها

روش او این بود که پس از القای کامل درس، حدود یک ساعت به پرسش‌های شاگردانش پاسخ می‌داد.

[۷۴] انصاری قهی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خویی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۶۴، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

شاگردان خویی قدرت بیان و دانش لغوی و ادبی وی را ستوده‌اند. او درس‌های خود را به عربی فصیح و روان القا می‌کرد.

[۷۵] حسینی همدانی، محمد، «مصاحبه با استاد آیت‌الله حسینی همدانی (نجفی)»، ج ۱، ص ۵۴-۵۵، حوزه، سال ۵، ش ۶ (بهمین و اسفند ۱۳۶۷).

[۷۶] گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خویی»، ج ۱، ص ۲۰۵، تحقیقت اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).

[۷۷] حبابه، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت‌الله خویی»، ج ۱، ص ۲۲۹، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

مطالب درس خویی دارای انسجام و نظم منطقی و استوار بود.

[۷۸] گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خویی»، ج ۱، ص ۲۰۵، تحقیقت اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).

[۷۹] مندوی، احمد، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مندوی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

[۸۰] قائینی، محمد، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قائینی»، ج ۱، ص ۲۲۲، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

او به خوبی می‌دانست که مسائل دشوار و قواعد پیچیده را چگونه از زوایای گوناگون بررسی و تحلیل کند و این از مظاهر نبوغ فکری خویی بود.

[۸۱] قیاض، محمداسحاق، «ابداع آیت‌الله الخوئی فی الابحث الاصولیة و الفقهیة»، ج ۱، ص ۴۷، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

خویی در آموزش شاگردان، بسیار ماهر و مسلط بود. در تدریس چنان نظام‌مند عمل می‌کرد که شاگردانش علاوه بر یادگیری مطلب، روش استنباط را هم می‌آموختند و می‌توانستند آن روش را در تحلیل‌های خود به‌کار گیرند. در عین حال، روش تدریس او سهل الوصول و دور از پیچیدگی و ملالت بود.

[۸۲] قائینی، محمد، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قائینی»، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۲، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

در واقع، خویی در مباحثات علمی خود چهارچوب، روش تحقیق و مبانی مشخصی داشت و شاگردانش می‌توانستند منظومه فکری او را به خوبی دریابند. به همین دلیل خویی به اصطلاح «صاحب مدرسه» به‌شمار می‌رفت.

[۸۳] مندوی، احمد، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مندوی»، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

او شاگردانش را به مقتضای قابلیت‌ها و استعدادهایشان به فراگیری علوم دینی گوناگون راهنمایی می‌کرد.

[۸۴] حماده، طراد، «فکر الامام الخوئی (فلسفه) فی التراث الاسلامی الشیعی المعاصر»، ج ۱، ص ۱۲۶، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

مبانی، شیوه و کیفیت درس خویی چنان بود که بسیاری از شاگردان او نیز به روش او در تدریس و تتبع پایبند بودند.

[۸۵] قائینی، محمد، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قائینی»، ج ۱، ص ۲۲۲، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

بسیاری از فقیهان برجسته معاصر، در حلقه درس وی پرورش یافتند و با احراز کرسی‌های تدریس در حوزه‌های نجف و قم، شیوه اجتهادی او را به‌شیوه مسلط و مقبول چند دهه اخیر حوزه‌های علمیه شیعه تبدیل کردند.

[۸۶] حبابه، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت‌الله خویی»، ج ۱، ص ۲۲۹، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

بهرگیری خویی از استادان برجسته و متعدد، با مشرب‌های فقهی و اصولی گوناگون و سبک‌های متفاوت سبب شد تا خویی ضمن آشنایی با این مشرب‌ها و مبانی و ضوابط آنها، به وسعت نظر، ژرف‌نگری و دقت چشمگیری در اصول فقه دست یابد.

[۸۷] فضلی، عبدالهادی، «معالم الشخصیة العلمیة عند الامام الخوئی»، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۱، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

به‌کارگیری این مبانی اصولی در فروع فقهی و توجه ویژه او به سند و دلالت احادیث از رهگذر علوم رجال و درایه و دانش‌های مرتبط، فقه خویی را نیز بر جایگاه ممتازی نشاناد و آرای او را از دقت و پختگی برخوردار ساخت.

[۸۸] موسوی خلخالی، محمدحسینی، «السید ابوالقاسم الخوئی: الفقیه و الاصولی»، ص ۲۲۱، در الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۸۹] ایروانی، باقر، «مرجعیة الامام الخوئی (فلسفه) : السمات و المعالم»، ص ۲۲۹، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۹۰] انصاری قهی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خویی (رضوان‌الله‌علیه)»، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

خویی تا حد امکان از آمیختگی مباحث اصولی و فقهی با مطالب عقلی و فلسفی محض پرهیز می‌کرد

- [۹۱] حبابه، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت‌الله خوئی»، ج ۱، ص ۲۲۹، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- [۹۲] بنابراین فقه او تنها مستند به ادله فقهی مانند نص قرآن و احادیث بود. او به‌ویژه در سند احادیث و وثاقت و ضعف راویان بسیار تأمل می‌کرد.
- [۹۳] موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من اجلال الامام الخوئی (فلسفه) لاسانته»، ج ۱، ص ۴۶، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۹۴] علینوست، ابوالقاسم، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علینوست»، ج ۱، ص ۲۱۹، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- همچنین در تبیین مطالب اعتدال را رعایت و از ایجاز مخل و اطناب ممل پرهیز می‌کرد. یک دوره اصول او حدود شش تا هفت سال طول می‌کشید.
- [۹۵] مددی، احمد، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مددی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

## هینت استفتا

شماری از شاگردان ممتاز خوبی هینت استفتای وی را تشکیل می‌دادند و پاسخ استفتانات را با هماهنگی با وی بر پایه آرای فقهی‌اش تنظیم می‌کردند. برخی از اصحاب جلسه فتوای او در دوره‌های مختلف عبارت بودند از: صدرا بادکوبه‌ای، **سیدمحمدباقر صدر**، **میرزا جواد تبریزی**، **سیدعلی حسینی بهشتی**، **سیدمرتضی خلخالی**، **سیدعلی سیستانی**، **محمدجعفر نائینی** و **مرتضی بروجرودی**.

- [۹۵] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۷۸، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- [۹۶] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۹۳، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- [۹۷] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة العلیا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
- [۹۸] داوری، مسلم، «الامام الخوئی زعیم الحوزة العلمیة»، ج ۱، ص ۲۲۳، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- از دیگر شاگردان او باید از **حسین وحید خراسانی**، **سیدعلی هاشمی شاهرودی**، **محمدتقی جعفری**، **سیدمحمدحسین فضل‌الله**، **بشیر نجفی پاکستانی**، **سیدموسی صدر**، **حاج‌آقا تقی قمی** و **سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی** نام برد (برای فهرست نام شاگردان او رجوع کنید به آدرس ذیل؛
- [۹۹] شریف، سعید، «تلامذة الامام الخوئی»، ج ۱، ص ۶۷۷-۶۹۵، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۱۰۰] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة العلیا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۳۵، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
- [۱۰۱] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۶۵-۶۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- ( پدر خوبی نیز یکبار در درس او شرکت کرد ولی او به احترام پدر درس را ادامه نداد.
- [۱۰۲] شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۳۲۲، قم ۱۳۸۹ ش.

## آغاز مرجعیت

در باره زمان آغاز مرجعیت خوبی اظهارات مختلفی شده است

- [۱۰۳] مرقاتی، جعفر، «الامام الخوئی»، ج ۱، ص ۲۶۱، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۱۰۴] داوری، مسلم، «الامام الخوئی زعیم الحوزة العلمیة»، ج ۱، ص ۲۲۳، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- ولی مسلم این است که پس از درگذشت **آیت‌الله بروجرودی** مرجعیت خوبی بملبور جدی مطرح و پس از درگذشت **آیت‌الله حکیم**، او مرجع برتر شناخته شد.
- [۱۰۵] ۵، شریف رازی، محمد، ج ۲، ص ۳، گنجینه دانشمندان، تهران ۱۳۵۲-۱۳۵۴ ش.
- [۱۰۶] موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من اجلال الامام الخوئی (فلسفه) لاسانته»، ج ۱، ص ۴۶، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۱۰۷] ایروانی، باقر، «مرجعیت الامام الخوئی (فلسفه): السمات و المعالم»، ص ۲۲۸، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۱۰۸] شاکری، حسین، «الامام السید الخوئی: سیرة و نکریلت»، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- در همان زمان، **سیدنیو سف حکیم** نیز رسماً وجوه شرعی برجای مانده از پدرش را به خوبی، به عنوان مرجع، سپرد.
- [۱۰۹] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة العلیا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۷۷، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
- خوبی حافظه‌ای قوی داشت
- [۱۱۰] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۳۴-۳۵، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
- [۱۱۱] خباز، منیر، «ملمح فی شخصیت الامام الخوئی (فلسفه): ملکات فکریة لاتتوفر الا للعباقرة»، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۱۱۲] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۵۵، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- [۱۱۳] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۵۹، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- [۱۱۴] مددی، احمد، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مددی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- و بسیار پرکار و اهل نقد و بحث بود.
- [۱۱۵] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۳۴، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
- [۱۱۶] شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۳، قم ۱۳۸۹ ش.
- [۱۱۷] مددی، احمد، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مددی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- او با عالمان اهل سنت و علمای ادیان دیگر نیز درباره مسائل اختلافی **منظره** می‌کرد.
- [۱۱۸] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۶۳، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- [۱۱۹] خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۳۸-۵۳۹، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
- [۱۲۰] خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۶۰-۵۶۱، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
- [۱۲۱] مغنیه، محمدجواد، «زعیم الحوزة العلمیة»، ج ۱، ص ۵۲۳، الموسوم، ش ۶ (۱۴۱۰).
- (**محمدجواد مغنیه** گفته است خوبی در مباحثات و مناظرات علمی روش سقراطی داشت.
- [۱۲۲] مغنیه، محمدجواد، «زعیم الحوزة العلمیة»، الموسوم، ش ۶ (۱۴۱۰).

## ویژگی‌های اخلاقی

برخی از ویژگی‌های اخلاقی خوبی را، علاوه بر زندگی ساده و بی‌آلایش و رعایت زی طلبگی چنین بر شمرده‌اند: **تواضع**، احترام گذاشتن به مراجع‌کنندگان، پیشی گرفتن در سلام کردن، تکریم بزرگان و عالمان، به‌ویژه مراجع تقلید معاصرش. او هر روز با دو تن از بزرگان نجف جلسه مشورتی تشکیل می‌داد.

- [۱۲۳] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۴۹۴۸، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خونی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خونی، ۱۳۷۲ ش.
  - [۱۲۴] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خونی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۸۵۷۷، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
  - [۱۲۵] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیا فی النجف الاشراف، ج ۱، ص ۲۸۵۲۸۰، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
  - [۱۲۶] قمری، منصور عبدالجلیل، «الذب الاختلاف فی حیاة الامام الخونی»، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۷، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- اهتمام به **زیارت امیر مؤمنان و امام حسین** (علیهما السلام) از دیگر ویژگی‌های او بود.
- [۱۲۷] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خونی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۸۳، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- خوبی به **تبلیغ دین**، ترویج علوم اسلامی و یاری رساندن به نیازمندان بسیار اهمیت می‌داد؛ از این رو خیمات اجتماعی وی گسترده بود و مؤسسات خیریه زیادی به یادگار گذاشت، از جمله مدرسه دارالعلم نجف؛ شهرک مسکونی مدینه‌العلم در قم و ویژه طلاب علوم دینی؛ دارالعلم و مجتمع امام زمان (علیه السلام) در **اصفهان**؛ مدرسه علمیه همراه با کتابخانه در **مشهد**؛ دارالایام و هنرستان فنی و حرفه‌ای در بیروت؛ صدها مسجد و حسینیه، مدرسه، کتابخانه، درمانگاه و بیمارستان و دارالایام در دورترین نقاط کشورهای اسلامی و تأسیس مؤسسات بزرگ زنجیره‌ای در برخی کشورها
- [۱۲۸] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خونی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۹۶-۹۵، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
  - [۱۲۹] «مؤسسه الامام الخونی الخیریة: فکرتها و مشارعها»، الموسوم، ج ۱، ص ۵۶۶-۵۵۹، ش ۶ (۱۴۱۰).
  - [۱۳۰] بحر العلوم، محمد، «الامام الخونی و انجازاته العلمیة و مشارعها العامه»، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۲، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خونی، (قم): مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خونی، ۱۳۷۲ ش.

## مواضع و فعالیت‌های سیاسی

خوبی با این‌که در دوره جوانی و میانسالی در حوزه مسائل سیاسی، فعال و گاهی دارای مواضع شدید بود،

- [۱۳۱] قانونی، محمد، «گفتگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قانونی»، ج ۱، ص ۲۲۴، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

پس از مرجعیتش بنای دخالت گسترده در مسائل سیاسی نداشت و می‌توان گفت که از سیاست کناره گرفت. این تغییر رویکرد را از آن‌رو بود که به‌طور خاص دخالت مرجعیت را در مسائل سیاسی، جز در حد ضرورت، به صلاح این نهاد نمی‌دانست،

- [۱۳۲] قانونی، محمد، «گفتگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قانونی»، ج ۱، ص ۲۲۴، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

یا از آن‌رو بود که نظرش درباره نحوه دخالت عالمان دینی در حوادث سیاسی تغییر یافته بود. با این‌همه، ورود خواسته یا نخواستہ او به اوضاع سیاسی و اجتماعی **عراق** در ماه‌های پایانی عمر، بر حیل علمی و اجتماعی‌اش تأثیری انکارناپذیر گذاشت. او در برهه‌هایی خاص درباره رویدادهای سیاسی **ایران** حساس بود. با بررسی تاریخی مواضع خوبی درباره حوادث ایران پیش و پس از **انقلاب اسلامی**، می‌توان این مواضع را به سه دوره تقسیم کرد:

### — دوره اعتراض و واکنش شدید

دوره اعتراض و واکنش شدید به رفتار حکومت وقت: نخستین موضع‌گیری مهم او، تلگرام به شاه در مخالفت با تصویب‌نامه **انجمن‌های ایالتی و ولایتی** در مهر ۱۳۴۱ بود که آن را مغایر **شرع و قانون اساسی** اعلام کرد.

- [۱۳۳] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۳۱-۳۰، تهران: ۱۳۷۴ ش.

او همچنین در تلگرامی به **آیت‌الله سیدمحمد بهبهانی** در بهمن ۱۳۴۱، مخالفت خود را با برگزاری همه‌پرسی به‌اطلاع وی رساند و آن را با قانون شریعت و مواد صریح قانون اساسی ناسازگار دانست و یادآور شد که خاموش کردن صدای ملت با قوه قهریه، دیری نخواهد پایید و تبلیغات عوام‌فریبانه، مشکلات را حل نمی‌کند و اقتصاد ورشکسته و ناخشنودی مردم در مان نخواهد کرد.

- [۱۳۴] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۶۰، تهران: ۱۳۷۴ ش.

در پی حمله مأموران به **مدرسه فیضیه** در ابتدای سال ۱۳۴۲ ش، او در تلگرامی به **امام خمینی** انده شدید خود را از آن حادثه ابراز کرد

- [۱۳۵] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۷۵، تهران: ۱۳۷۴ ش.

و در تلگرامی شدیدالحن به شاه با اشاره به حوادث جاری، از انحطاط مملکت اسلامی و خطمی زمامدارانش به‌شدت اظهار تأسف کرد.

- [۱۳۶] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۸۰، تهران: ۱۳۷۴ ش.

حدود یک ماه بعد نیز در پاسخ به نامه جمعی از علمای ایران، صلاحیت نداشتن حاکمان فاسد را اعلام کرد و وظیفه **روحانیت** را سنگین دانست و سکوت را ناروا شمرد.

- [۱۳۷] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۱، تهران: ۱۳۷۴ ش.
- [۱۳۸] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۴، تهران: ۱۳۷۴ ش.

پس از **قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲** و کشتار مردم، خوبی با صدور بیانییه‌ای دستگاه حاکم ایران را ستمگر خواند و همکاری با آن را تحریم کرد. شرکت در انتخابات دوره بیست و یکم مجلس را نیز ممنوع کرد و چنین مجلسی را از درجه اعتبار ساقط دانست.

- [۱۳۹] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۴، تهران: ۱۳۷۴ ش.
- [۱۴۰] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۸۱، تهران: ۱۳۷۴ ش.

همچنین هنگامی که خبر دستگیری و شایعه محاکمه امام خمینی را شنید، همراه تعدادی از شاگردانش به **کوفه** نزد آیت‌الله حکیم رفت و پس از مشورت، هر دو مرجع، جداگانه تلگرام شدیدالحنی در حمایت از امام خمینی به ایران فرستادند.

- [۱۴۱] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خونی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۸۹، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

در پی انتصاب **حسنعلی منصور** به نخست وزیر، خوبی در اسفند ۱۳۴۲ با ارسال تلگرامی از او خواست اشتباهات دولت‌های پیشین را تکرار نکند و قوانین مخالف **اسلام** را ملغوا و امام خمینی و آیت‌الله قمی را آزاد کند.

- [۱۴۲] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۳۵، تهران: ۱۳۷۴ ش.

پس از شروع نخست‌وزیری **هویدا** نیز در تلگرام‌هایی به او از بین بردن نفوذ صهیونیست‌ها، الغای قوانین مخالف شریعت، برگرداندن امام خمینی از **تبعید**

- [۱۴۳] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۸۳، تهران: ۱۳۷۴ ش.

و آزادی فوری مخالفان را خواستار شد.

- [۱۴۴] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۸۵، تهران: ۱۳۷۴ ش.

او پس از اطلاع یافتن از رفتن امام خمینی به عراق (مهر ۱۳۴۴)، بی‌درنگ شماری از اطرافین خود و طلاب را به استقبال فرستاد و خود نیز دو بار به دیدن او رفت

- [۱۴۵] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خونی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۸۹، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

- [۱۴۶] داوری، مسلم، «الامام الخوئی زعیم الحوزة العلمية»، ج ۱، ص ۲۲۴، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۱۴۷] شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۳، قم ۱۳۸۹ ش.
- (برای آگاهی از برخی دیگر از نامه‌ها و پیام‌های ایشان در این دوره رجوع کنید به آدرس‌های ذیل).
- [۱۴۸] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۸۶-۸۵، تهران: ۱۳۷۴ ش.
- [۱۴۹] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۷۸، تهران: ۱۳۷۴ ش.
- [۱۵۰] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۱۲، تهران: ۱۳۷۴ ش.
- [۱۵۱] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۱، تهران: ۱۳۷۴ ش.
- [۱۵۲] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۷۲، تهران: ۱۳۷۴ ش.
- ( نقل شده است که در این دوره، مواضع او در برابر حکومت گاه چنان تند و شدید بود که امام خمینی از او خواست از شدت و حنّت آن بکاهد.
- [۱۵۳] روزنامه اطلاعات، ش ۱۹۶۸۵، ۱۸ مرداد ۱۳۷۱، ص ۲.

#### ← دوره سکوت

این دوره حدود نوازده تا سیزده سال طول کشید و تقریباً از زمان استقرار امام خمینی در نجف آغاز شد. در این دوره، نه‌تنها از بیانیه‌های شدید دوره نخست، خبری نیست بلکه اعتراضی نیز به حوالت گوناگون ایران حتی حوالت سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ش، دستکم بطور علنی، گزارش نشده است. این موضع، گاه انتقاداتی نیز در پی داشته است. به‌منظر می‌رسد یکی از دلایل سکوت او بی‌تأثیر دانستن اعتراض بوده است.

[۱۵۴] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۴۶۳، تهران: ۱۳۷۴ ش.

همزمان با اوچگیری انقلاب اسلامی ایران و اخراج امام خمینی از عراق **فرح دنیا**، همسر **محمد رضا پهلوی**، به قصد تخفیف حرکت دینی مردم ایران در مقابله با **حکومت پهلوی**، در ۲۸ آبان ۱۳۵۷ (مصادف با **عید غدیر** ۱۳۹۸) به صورت ناگهانی و بدون تشریف‌تعارف کسب اجازه، در منزل آیت‌الله خویی با ایشان ملاقت کرد. در پی این دیدار، خوبی در برخی محافل مورد انتقاد قرار گرفت، ولی او در یادداشتی خطاب به بعضی علماء، ضمن تأکید بر ناگهانی و ناخواسته بودن این ملاقت، نوشت که در این دیدار فرصت را مغتنم شمرده و خواسته‌های ملت ایران را گوشزد کرده و به حوالت ناگوار و فجایی که در ایران رخ داده به‌شدت اعتراض کرده است.

[۱۵۵] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۵۸۳، تهران: ۱۳۷۴ ش.

#### ← دوره همراهی با انقلابیون

او چند روز پس از ملاقت مزبور و در پی تشدید مبارزات مردم، درباره حوالت ایران و جنایات حکومت شاه بیانیه‌ای خطاب به مراجع، علماء و ملت ایران صادر کرد و از مردم خواست که با شجاعت و در عین‌حال با حفظ کامل موازین شرع قدم بردارند و در همه مراحل از مراجع تقلید و علماء پیروی کنند.

[۱۵۶] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۵۹۱-۵۸۸، تهران: ۱۳۷۴ ش.

او پس از پیروزی انقلاب نیز همین موضع را حفظ کرد چنان‌که در جریان هم‌پرسی نظام جمهوری اسلامی، در فروردین ۱۳۵۸، مردم را به شرکت در همه‌پرسی و رأی دادن به جمهوری اسلامی فراخواند

[۱۵۷] روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۸۱۷، ۹ فروردین ۱۳۵۸، ص ۲.

و از شاگردان خود خواست که در امور انقلاب مشارکت کنند.

در **جنگ عراق با ایران**، به‌رغم فشار شدید دولت عراق، ایستادگی کرد و کمترین حمایتی از آنان نکرد.

[۱۵۸] داوری، مسلم، «الامام الخوئی زعیم الحوزة العلمية»، ج ۱، ص ۲۲۴، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۱۵۹] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۴۹، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش. حتی به جواز تصرف در وجوه شرعی برای تأمین ملزومات رزمندگان ایران فتوا داد. بسیاری از مقلدان او، که به اجبار حکومت عراق در جنگ شرکت کرده بودند، تحت تأثیر فتوای او، خود را به نیروهای ایرانی تسلیم کردند یا به نیروهای ایرانی شلیک نکردند.

[۱۶۰] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۹۰-۹۱، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

خوبی درباره برخی رویدادهای سایر کشور های اسلامی یا مربوط به مسلمانان نیز واکنش‌هایی داشته است. از جمله، فتوای منع پیوستن به **حزب کمونیست**

[۱۶۱] خوبی، سید ابوالقاسم، «(پاسخ به استفتائاتی درباره حزب کمونیست)»، ص ۳۶، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

تقدیر از ملی شدن نفت عراق،

[۱۶۲] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۳۵۱، تهران: ۱۳۷۴ ش.

بیانیه‌ای درباره جنگ چهارم اعراب با اسرائیل (مهر ۱۳۵۲/رمضان ۱۳۹۳) و یاری رساندن به سرزمین‌های اسلامی،

[۱۶۳] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۳۶۱، تهران: ۱۳۷۴ ش.

و تلگرام به هویدا در بیان ضرورت پشتیبانی کامل دولت ایران از فلسطینیان.

[۱۶۴] روحانی، حمید، نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۳۵۵-۳۵۴، تهران: ۱۳۷۶ ش.

مهمترین اقدام سیاسی خوبی پس از انتفاضه شیعیان عراق در اسفند ۱۳۶۹/**شعبان** ۱۴۱۱ هم‌زمان با آزادسازی **کویت** از دست نیروهای نظامی عراق رخ داد. او با صدور اعلامیه‌ای در ۱۴ اسفند/ ۱۸ شعبان، مجاهدان را به رعایت **احکام شرعی** و اعتدال فراخواند و این حرکت مردمی را هدایت کرد و در ۱۷ اسفند/ ۲۱ شعبان، هیئتی نه نفره را برای اداره مناطق آزاد شده تعیین کرد.

[۱۶۵] شاکری، حسین، «الامام السید الخوئی: سیره و تکریمت»، ج ۱، ص ۲۵۵، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۱۶۶] ساعدی، محمد رضا، «خطراتی از شیخ محمد رضا ساعدی از اعضای هیئت آیت‌الله خوبی در ماجرای انتفاضه ۱۹۹۱ عراق»، ج ۱، ص ۶۹-۷۰، شهروند امروز، سال ۴، ش ۳ (۲۵ تیر ۱۳۹۰).

در پی حمله حکومت بعثی به شهرهای شیعه‌نشین و شکست انتفاضه، نیروهای جمهوری عراق در ۲۹ اسفند ۱۳۶۹/ ۳ **رمضان** ۱۴۱۱ به نجف هجوم آوردند و پس از محاصره منزل خوبی و کشتن ده‌ها تن در اطراف بیت او، صدها تن از علماء و طلاب و نزدیکان او را دستگیر کردند. سپس خوبی و شماری از بستگانش را با تهدید برای دیدار با صدام به **بغداد** بردند و از او خواستند تا در صفحه تلویزیون ظاهر شود و از مجاهدان بخواد تسلیم شوند. با اینکه خوبی از پذیرش این خواسته سر باز زد، دستگاه‌های تبلیغاتی صدام سخنن خوبی را با تحریف نقل کردند.

[۱۶۷] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۹۱-۹۲، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).



- [۱۶۸] سودانی، عبدالفتاح، «الامام الخوئی مدرسة فی التفسیر و الحدیث»، ج ۱، ص ۱۳۱، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۱۶۹] جاویدان، شندی، العراق بین الماضي و الحاضر و المستقبل، ص ۷۲۵، بیروت: مؤسسة الفكر الاسلامی، (بی تا).
- پس از آن، خوبی در **کوفه** در حصر خانگی قرار گرفت و به محدودیت‌های گسترده، فشارها و اهانت‌های حکومت صدام دچار شد. بیش از یکصد تن از شاگردان، نزدیکان و اعضای خانواده‌اش، از جمله فرزندان سیدابراهیم و دامادش سیدمحمود میلانی، دستگیر و شماری از آنها اعدام شدند. مدرسه دارالعلم نیز تخریب شد.
- [۱۷۰] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۸۲، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- [۱۷۱] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۹۲، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- [۱۷۲] شاکری، حسین، «الامام السید الخوئی: سیره و تکریم»، ج ۱، ص ۲۵۴، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۱۷۳] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۵۰، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.

## آرا و دیدگاه‌ها

خوبی در مبانی **اصول فقه امامیه** دگرگونی‌هایی پدید آورد. او در این عرصه علاوه بر تبیین، تقویت و گسترش برخی از دیدگاه‌های استادانش با اصولیان پیشین، با ابتکار خود به نظریات نوینی دست یافت، مانند نظریه تعهد در وضع لغوی، نظریه تفسیر انشا به ابراز امر اعتباری، نظریه جریان نیافتن **استصحاب** در **شبهت حکمی** و نظریه **اماره بودن استصحاب** (برای این موارد و دیگر نوآوری‌های او در اصول فقه رجوع کنید به آدرس ذیل):

[۱۷۴] فیاض، محمداسحاق، «ابداع‌الت امام الخوئی فی الابطال الاصولیة و الفقهیة»، ج ۱، ص ۵۳-۵۶، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۱۷۵] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۷، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.

## ← مخالفت با شهرت فتوایی

از مهم‌ترین شاخص‌های اصولی خوبی که پایه بسیاری از آرای فقهی وی را تشکیل می‌دهد، مخالفت او با **شهرت فتوایی** است که پیامدهای مهمی دارد. طبق نظر مشهور در میان اصولیان، در صورت اشتهار یک **فتوا** در میان فقیهان، روایت معتبری که با آن ناسازگار باشد حجت نیست. همچنین شهرت فتوایی موجب اعتبار **روایت ضعیف** سازگار با آن می‌گردد. به اصطلاح، شهرت «جابج» ضعف سند و «کاسر» اعتبار سند است. همچنین به نظر مشهور، **شهرت روایی** یکی از مرجحات **بطل تعارض**، هنگام تعارض دو خبر به‌شمار می‌رود.

- [۱۷۶] **کلمی خراسانی محمدعلی**، فواید الاصول، ج ۳، ص ۱۵۳، تقریرات درس آیت‌الله نائینی، قم ۱۴۰۴/۰۹.
- [۱۷۷] **بروجردی محمدتقی**، نه‌ایة الافکار، ج ۵، ص ۵۲۰۶، قسم ۲، تقریرات درس آیت‌الله عراقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، (۱۳۶۴ ش).
- [۱۷۸] فیاض، محمداسحاق، «ابداع‌الت امام الخوئی فی الابطال الاصولیة و الفقهیة»، ج ۱، ص ۵۵، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- ولی خوبی شهرت روایی را از مرجحات **بطل تعارض** به‌شمار نیآورده است. همچنین به نظر او، **شهرت عملی** (استناد شهرت به روایت در مقام افتا) هیچگاه ضعف خبر را جبران نمی‌کند، چنان‌که اعراض مشهور از خبر صحیح و موثق، موجب حجت نبودن و ضعف آن خبر نمی‌شود.
- [۱۷۹] واعظ حسینی، مه‌سور، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۲، تقریرات درس آیت‌الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.
- [۱۸۰] واعظ حسینی، مه‌سور، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۲۷۰-۲۷۴، تقریرات درس آیت‌الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.

به نظر خوبی، اولاً شهرت فتوایی فقط در مواردی می‌تواند **حجیت** داشته باشد که از فقیهان متقدم، یعنی فقیهانی که به زمان اصحاب ائمه نزدیک بوده‌اند، برآمده باشد، در حالی که ما به آرا یا آثار اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) دسترسی کامل نداریم. ثانیاً، شهرت فتوایی به خودی خود حجت نیست بلکه بر فرض سازگاری با روایت، حداکثر موجب **ظن** به صدور آن روایت از امام و بر فرض ناسازگاری با روایت، حداکثر موجب **ظن** به صادر نشدن آن روایت از امام است. در حالی که برای حجیت اخبار، حاصل شدن «وثوق نوعی» لازم است.

- [۱۸۱] فیاض، محمداسحاق، «ابداع‌الت امام الخوئی فی الابطال الاصولیة و الفقهیة»، ج ۱، ص ۵۵، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۱۸۲] فیاض، محمداسحاق، «نوآوری‌های اصولی و فقهی آیت‌الله خوئی»، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۶، فقه، ش ۱۷ و ۱۸ (پاییز - زمستان ۱۳۷۷).
- [۱۸۳] موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من اجلال الامام الخوئی (قدس سره) لاسانته»، ج ۱، ص ۴۵-۴۶، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- [۱۸۴] واعظ حسینی، مه‌سور، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۶۲-۱۶۵، تقریرات درس آیت‌الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.

برخلاف روش اصولی **آیت‌الله بروجردی** که بر ضرورت دستیابی و التزام به فتاویٰ قضا مانند **شیخ مفید** و **شیخ صدوق** بسیار تأکید داشت و برای این فتواها مانند احادیث، حجیت قائل بود، خوبی نه خبر ضعیف هماهنگ با نظر مشهور قضا و نه فتاویٰ قضا که مستند به دلیل معتبر نیست، را نمی‌پذیرفت. به همین دلیل تنوع در آرای دیگران برای خوبی در درجه نخست اهمیت نبود، بلکه آنچه مهم بود دلیل و قوت و ضعف سند بود نه شهرت عملی یا فتوایی.

- [۱۸۵] مددی، احمد، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مددی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- [۱۸۶] قانینی، محمد، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ۱، ص ۲۲۴، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- از این‌رو خوبی به‌ویژه در دوره‌های اخیر تدریس خود به پژوهش درباره سند روایت و وثاقت روایان اهتمام خاصی داشت.
- [۱۸۷] حب‌الله، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت‌الله خوئی»، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

## ← عدم حجیت اجماع

خوبی، علاوه بر شهرت، حجیت **اجماع** (چه **اجماع محصل** و چه **اجماع منقول**) را نیز نمی‌پذیرفت و بر این باور بود که بسیاری از اجماعات، حتی در میان فقیهان متقدم، **مدرکی** است (یعنی مستند به ائمه است که دلالت آن‌ها بر موضوع خدشه‌پذیر است). البته او بنا بر رعایت **احتیاط**، در فتاویٰ خود به اجماع توجه می‌کرد. نتیجه منطقی کم‌اعتنایی به شهرت و اجماع در شیوه اصولی خوبی، رجوع به **اصول عملیه** یا استناد به ائمه فقهی عام یا مطلق است. همچنین خوبی به سبب آشنایی عمیق با **ادبیات** و **زبان عربی** به خوبی با مدلول‌ها و لوازم عرفی نصوص و متون حدیثی و قرآنی آشنا بود و چه‌بسا در **استنباط احکام** از این توانایی خود بهره می‌گرفت.

- [۱۸۸] واعظ حسینی، مه‌سور، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۳۶، تقریرات درس آیت‌الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.
- [۱۸۹] واعظ حسینی، مه‌سور، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۴۱، تقریرات درس آیت‌الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.
- [۱۹۰] حب‌الله، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت‌الله خوئی»، ج ۱، ص ۲۲۹، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- [۱۹۱] علی‌دوست، ابوالقاسم، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علی‌دوست»، ج ۱، ص ۲۲۰، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

خوبی در فتوادان شجاعت بسیار داشت و چه‌بسا بر پایه مبانی خود با بسیاری از فتوای مشهور یا آرای فقهی غالب مخالفت کرد و فتوای دیگری داد؛ از جمله آرای اوست: جواز خارج شدن زن از خانه بدون اجازه **همسر** مگر در شرایطی معین؛ جواز **سقط جنین** برای زن به هنگام ترس از زنده ماندن خود؛ جواز **ازدواج دائم** مردان **مسلمان** با زنان **اهل کتاب**؛ مشروط نبودن **جهاد ابتدایی** به حضور **امام معصوم**؛ شرط نبودن **اجتهاد** در **قاضی**؛ **واجب** نبودن رعایت ترتیب شستن طرف راست و چپ در **غسل**؛ جایز نبودن **معامله ربوی** میان **پدر** و **فرزند** و میان زن و شوهر به **احتیاط واجب**؛ جواز خوردن ماهی‌هایی که در داخل تور و درون آب می‌میرند و **طهارت** چرم‌های وارد شده از کشورهای غیرمسلمان که **نیج** **شرعی** آن‌ها مشکوک است (برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به آثار و رساله‌های فتوایی آیت‌الله خوبی؛ برای برخی نوآوری‌های فقهی او رجوع کنید به آدرس ذیل).

[۱۹۲] قیاض، محمداسحاق، «ابداعلت الامام الخونی فی الابحث الاصولیة و الفقهیة»، ج ۱، ص ۵۶-۵۸، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۱۹۳] حکمی، مرتضی، «حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوبی: پیشوای حوزه علمیه و مرجع عظیم‌النسب»، ج ۱، ص ۶۰-۶۱، مسجد، سال ۱، ش ۵ (شهریور - مهر ۱۳۷۱).

[۱۹۴] گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ۱، ص ۲۰۶-۲۰۷، تحقیقت اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).

[۱۹۵] حکمی، مرتضی، «حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوبی: پیشوای حوزه علمیه و مرجع عظیم‌النسب»، ج ۱، ص ۶۰، مسجد، سال ۱، ش ۵ (شهریور - مهر ۱۳۷۱).

[۱۹۶] خوبی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۴-۳۰۰، نجف ۱۳۹۷.

[۱۹۷] خوبی، سید ابوالقاسم، «پاسخ به استفتائی درباره حزب کمونیست»، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۱۹۸] خوبی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۷، نجف (۱۹۷۵-۱۹۷۶).

[۱۹۹] غروی تبریزی، علی، التفتیح فی شرح العروة الوثقی: التقلید، ج ۱، ص ۳۵۶-۳۶۷، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، در موسوعة الامام الخونی، ج ۱، قم: مؤسسة احیاء الآثار الامام الخونی، ۱۴۳۰ الف.

[۲۰۰] غروی تبریزی، علی، التفتیح فی شرح مکاسب البیع، ج ۲، ص ۱۵۶-۱۹۴، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، (ج ۲)، در موسوعة الامام الخونی، ج ۳۷، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخونی، ۱۴۳۰ ج.

[۲۰۱] توحیدی، محمدعلی، مصباح الفقهة فی المعاملات، ج ۵، ص ۳۲-۷۴، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲.

[۲۰۲] عارفی، محمداکرم، اندیشه سیاسی آیت‌الله خوبی، ج ۱، ص ۴۲ به بعد، قم ۱۳۸۶ ش.

## ← اعتماد به خبر صحیح و حجیت خبر ثقه

از مهمترین شاخص‌های فقه خوبی، اعتماد به **خبر صحیح** و **حجیت خبر ثقه** است؛ از این‌رو وی بیش از فقه‌های پیش از خود در **نجف** به **علم رجال** توجه نشان داد. او به‌گزینش راویان و شناختن راویان ثقه و ضعیف و استوارسازی قواعد حدیث و ضوابط اعتماد بر **حدیث صحیح** در ابواب فقه پرداخت.

[۲۰۳] موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من لجال الامام الخونی (فلسفه) لاسانته»، ج ۱، ص ۴۵، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

مبانی و دیدگاه‌های اصولی وی در رویکرد رجالی‌اش نیز تأثیر گذاشت. او به تبع حجت ندانستن شهرت و اجماع منقول، به حجیت خبر ثقه (نه خبر موثوق) اعتقاد داشت و معیار حجیت حدیث را صرفاً وثاقت رجال سند می‌دانست. خوبی از آن‌رو که در بسیاری از دیدگاه‌های رجالی مبتنی بر ثقه شمردن راویان مناقشه کرده بود، در پذیرش روایت سخت‌گیری می‌کرد. مثلاً او توثیقت علم، مانند قول به وثاقت تمامی **اصحاب امام صادق (علیه‌السلام)**، مذکور در **رجال طوسی**، و وثاقت هر که وکیل امام معصوم بوده است، و وثاقت **مشایخ اجازه** و وثاقت راویان **کثیر الروایه** از امام معصوم را نپذیرفت و ادله آن‌ها را مخدوش دانست.

[۲۰۴] خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۵-۸۰، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳، چپ افست قم (بی‌تا).

از سوی دیگر، وی به استناد قول **این قولویه**، سال‌ها بر این باور بود که راویان اسناد کتب **کامل الزیارات** این محدث متقدم، و نیز **تفسیر علی بن ابراهیم قمی** همگی مورد وثوق و معتبرند ولی این‌نظر را در دهه پایانی حیات خویش مردود دانست.

[۲۰۵] خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۴۹-۵۰، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳، چپ افست قم (بی‌تا).

[۲۰۶] خوبی، سید ابوالقاسم و جواد تبریزی، صراةالنجاة: استفتاءات لآیت‌الله العظمی الخونی مع تعلیقة و ملحق لآیت‌الله العظمی التبریزی، ج ۲، ص ۴۵۷، قم ۱۴۱۶/۱۴۱۸.

این تجدیدنظر با توجه به کاربرد وسیع توثیق مذکور در آثار فقهی - استدلالی خوبی، به تغییراتی اساسی در برخی آرای فقهی او انجامید.

## ← تحریف‌ناپذیری قرآن

علاوه بر **فقه** و **اصول** و **رجال**، مهمترین حوزه فعالیت علمی خوبی، **دانش تفسیر و علوم قرآنی** است. او چون احساس کرد که **حوزه نجف** از علوم قرآن و مسائل تفسیری به دور مانده است، از حدود ۱۳۳۰ ش در روزهای تعطیل حوزه، درسی به‌عنوان تفسیر و علوم قرآن پی‌ریزی کرد که به تألیف **البیان فی تفسیر القرآن** انجامید.

[۲۰۷] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۴۲، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوبی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظامی خوبی، ۳۷۲ ش.

[۲۰۸] گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵، تحقیقت اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).

این اقدام خوبی، شیوه جدیدی از مکتب اجتهادی علوم قرآنی و تفسیر را پدید آورد و آن را در حوزه نجف احیا کرد، ولی به دلایلی ادامه نیافت. بخش عمده تفسیر موجود، مباحث مقدماتی تفسیر است که حاوی نکته‌های بسیار دقیق علمی در زمینه قواعد تفسیر و علوم قرآنی است. رویکرد اصلی او در این مقومه، شبهه‌شناسانه و پاسخ به اشکالات منتقدان است. خوبی در این اثر، بحث تحلیلی و استدلالی مبسوطی در دفاع از کین و جایگاه **قرآن** و نشان دادن عظمت **وحی** و بیان اسرار هستی و اعجاز تشریحی دارد. او پیشتر نیز در اثر دیگر خود، **نفحات الاعجاز**، به برخی از شبهات درباره **اعجاز قرآن** پاسخ داده بود. یکی از مهمترین دیدگاه‌های خوبی در این عرصه **تحریف‌ناپذیری قرآن**، نه به زیاده و نه به نقیصه است.

[۲۰۹] خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۵۴، قم ۱۹۷۴/۱۳۹۴.

[۲۱۰] همچنین در موضوع مهم **نسخ**، رهیافتی خاص داشت و پس از تحلیل و بررسی آیت متعدد، فقط منسوخ بودن **آیه نجوا**

[۲۱۱] **مجادله/سوره ۵۸، آیه ۱۲**.

را پذیرفت. او **قرآنت سبع** را نیز فاقد اسناد معتبر به **پیامبر** دانست، هرچند خواندن بر طبق هر یک از این هفت قرائت را در نماز **جایز** می‌شمرد. روش اجتهادی و نقادانه خوبی پس از او بر شماری از استادان برجسته علوم قرآنی اثر گذاشت.

[۲۱۲] ایازی، محمدعلی، «چه کسانی مروج مکتب تفسیری آیت‌الله خوبی شدند؟»، ج ۱، ص ۲۳۱، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

خوبی هرچند در زمینه **فلسفه** و **کلام**، شهرت ندارد ولی در این عرصه‌ها نیز تبحر داشت.

[۲۱۳] حکمی، مرتضی، «الامام الخونی و انطلاقه‌العلامة الجعفری الفلسفیة»، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

با این همه، او جز یکی دو رساله، تألیف کلامی مستقل ندارد؛ البته در قالب مسائل اصولی نیز به کلام پرداخت و به عقاید مشهور امامیان وفادار و ملتزم بود.  
[\[۲۱۲\]](#) قانینی، محمد، «گفتگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ۱، ص ۲۲۴، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

خوبی به شعر هم علاقه داشت و گاهی شعر می‌سرود.

[\[۲۱۴\]](#) مرقاتی، جعفر، «الامام الخوئی»، ج ۱، ص ۲۶۱، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

او در معماری نیز صاحب ذوق معرفی شده است.

[\[۲۱۵\]](#) شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۳، قم ۱۳۸۹ش.

## تحول در حوزه علمیه

خوبی در زمینه حفظ حوزه علمیه پرسابقه نجف و استمرار و گسترش حرکت علمی در آن و نیز اصلاح برنامه‌ها و تغییر سنت‌های متداول آن بسیار مؤثر بود. یکی از کارهای مهم او در این عرصه، ترویج تقریرنویسی بود. کثرت شاگردان و زعامت علمی او سبب شد تا تقریرنویسی در دیگر درس‌های نجف و حتی حوزه‌های علمی دیگر نیز رایج شود. ساماندهی تعطیلات حوزه یکی دیگر از کارهای اوست. قبلاً درس‌های رسمی حوزه نجف در [تابستان](#) برقرار بود، ولی خوبی تعطیلات ۴۵ روزه تابستانی را متداول کرد و از دیگر تعطیلات سال کاست

[\[۲۱۶\]](#) غروی، محمد، الحوزة العلمية فی النجف الاشرف، ص ۲۳۶؛ حوزه علمیه، بخش ۵: نجف، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۴.

یکی از حوادث مهم در دوره زعامت و مرجعیت خوبی در [عراق](#)، اخراج عالمان ایرانی‌تبار مقیم عراق بود که از اواخر دهه ۱۳۴۰ش رسماً اجرا شد. با آن‌که خوبی از معدود کسانی بود که ملزم به خروج از عراق نشد، ولی اخراج بسیاری از شاگردانش، از رونق حلقه علمی او کاست و نیز ضربه روحی شدیدی به او وارد کرد.

[\[۲۱۷\]](#) شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۹۸، تهران ۱۳۵۲-۱۳۵۴ش.

با وجود این، ورود بسیاری از شاگردان او به [ایران](#) و فعال شدن آنان در حوزه‌های علمی، به‌ویژه [حوزه قم](#)، سبب شد که اندیشه‌های او به نحو چشمگیری به این حوزه‌ها سرایت کند. حوزه قم که تا حد زیادی از نظام فکری مؤسسه [حائری یزدی](#) و [بروجردی](#) و شاگردان آن دو اثر پذیرفته بود، میزبان گروهی از شاگردان خوبی شد که در مکاتب فکری [میرزای نائینی](#) و [محقق اصفهانی](#) و [آقاضیاء عراقی](#) ریشه داشتند. حتی شماری دیگر از استادان مهاجر که شاگرد خاص خوبی نبودند نیز در این زمینه تأثیری انکارناپذیر داشتند و با تشکیل جلسات درسی بزرگ، مکتب فقهی قم را متحول کردند. کسانی چون [میرزا لاجوردی تیریزی](#)، [میرزا اکظم تیریزی](#)، [سیدمحمد روحانی](#)، [سیدابوالقاسم کوکی](#) و [حسین وحید خراسانی](#) از این‌دو گروه استادان به‌شمار می‌روند. علاوه بر اینها، توجه به استدلال‌ها و آرای خوبی در دروس فقیهانی که سابقه تحصیل در نجف نداشتند، مانند [سید محمد رضا گلپایگانی](#)، [حسینعلی منتظری](#) و [محمد فاضل لنکرانی](#) نیز بسیار چشمگیر است، چه در مقام رد و نقد و چه در مقام قبول و ابرام.

[\[۲۱۸\]](#) علیدوست، ابوالقاسم، گفتگو با حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیدوست»، ج ۱، ص ۲۲۱، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

[\[۲۱۹\]](#) یثربی، میرمحمد، «سرانجام مکتب دوگانه علامه وحید بهبهانی و شیخ مرتضی انصاری چه شد؟»، ص ۲۲۶، (مصاحبه)، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

[\[۲۲۰\]](#) قانینی، محمد، «گفتگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ۱، ص ۲۲۲، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

## آثار

خوبی

از خوبی آثار متعددی در حوزه‌های گوناگون، به‌ویژه [فقه](#)، [اصول](#)، [رجال](#)، تفسیر و علوم قرآنی برجای مانده است که به چهار دسته تقسیم می‌شود: تقریرات درس‌های استادانش؛ تقریرات درس‌های خود او؛ تألیفات و رساله‌های علمی؛ رساله‌های عملیه و آثار فتوایی.

### ← تقریرات درس‌های استادان خوبی

در منابع از تقریرات او از درس‌های فقه و اصول دو استاد اصلی‌اش، نائینی و محمدحسین اصفهانی یاد شده است.

[\[۲۲۱\]](#) پانویس ۲، انصاری، مرتضی، ج ۱، ص ۴۵۵-۴۵۴، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری قفس سره، قم ۱۳۷۳ش.

[\[۲۲۲\]](#) انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۷۴، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

### [آقای‌رگ طهرانی](#)

[\[۲۲۳\]](#) آقای‌رگ طهرانی، محمدحسن، طبقات اعلام الشیعة نباء البشر فی القرن الرابع عشر، قسم ۱، ص ۷۲-۷۱، مشهد، قسم ۱-۴، ۱۴۰۴.

از تقریرات درس آقاضیاء عراقی هم نام برده است. در این میان، مشهورترین آنها، تقریرات درس اصول نائینی به نام [اجود التقیرات](#) است. این اثر که آخرین تقریرات اصول نائینی و از بهترین مآخذ آرای اصولی او به‌شمار می‌رود، نخستین بار در زمان حیات نائینی در دو مجلد (سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۴)، در صیدا به چاپ رسید.

[\[۲۲۴\]](#) [آقای‌رگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۲۷۸، چپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳.](#)

[\[۲۲۵\]](#) مشار، خانبابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱-۱۳۴۰-۱۳۴۴ش.

خوبی بعدها آن را بازنگاری کرد و تعلیقاتی هم بر آن نوشت

[\[۲۲۶\]](#) خوبی، سید ابوالقاسم، کتب اجود التقیرات، ج ۱، ص ۲، تقریرات درس آیت‌الله نائینی، قم: کتابفروشی مصطفوی، (بی‌تا).

[\[۲۲۷\]](#) گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ۱، ص ۲۰۷، تحقیقات اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ش).

که جلد نخست آن در ۱۳۶۸ در [تهران](#) چاپ شد.

[\[۲۲۸\]](#) سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۴۰، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ش.

### ← تقریرات درس‌های خود

تشویق شاگردان به تقریرنویسی و طولانی‌بودن سال‌های تدریس خوبی و تربیت شاگردان فراوان سبب شد تا افراد بسیاری تقریرات درس‌های او را تدوین کنند. بسیاری از این آثار را خوبی خواند و بر آن‌ها تقریر نوشت و در زمان او چاپ شد.

مهمترین تقریرات چلپ شده اصول فقه او، که خود

[۲۲۹] خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۳.

از آن‌ها نام برده است عبارت‌اند از:

در است فی الاصول اثر سید علی هاشمی شاهرودی، (خانابا آن را، به اشتباه، اثر فرزند خوبی معرفی کرده است،

[۲۳۰] مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ ش.

(تقریر کامل دوره سوم درس اصول خوبی است که نخستین جلد آن در ۱۳۷۱ و دوره کامل آن در چهار جلد در ۱۴۱۹ چلپ شده است؛ مصباح الاصول به قلم سیدمحمد سرور واعظ حسینی بهسودی (چلپ اول در ۱۳۷۶ در نجف)؛

محاضرات فی اصول الفقه به قلم محمداسحاق فیاض که خوبی آن را بسیار پسندیده

[۲۳۱] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۶۸، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

و در تقریظ خود (۱۳۸۲) از آن تقدیر کرده است؛

مبانی الاستنباط نوشته سیدابوالقاسم کوکی تبریزی؛ مصابیح الاصول به قلم سیدعلاءالدین بحر العلوم، شامل نبی از مباحث الفاظ؛ جواهر الاصول نوشته فخرالدین زنجانی؛ الرأی السدید فی الاجتهاد و التقليد به قلم غلامرضا عرفانین خراسانی؛ رساله فی الامر بین الامرین، درباره جبر و اختیار نوشته محمدتقی جعفری که در ۱۳۷۱ در نجف چلپ شد.

[۲۳۲] مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ ش.

خوبی این موضوع کلامی - فلسفی را به تبع آخوند خراسانی در کفایة الاصول، در مباحث اصولی «طلب و اراده» مطرح کرده و جعفری به گفته خود،

[۲۳۳] جعفری، محمدتقی، رساله فی الامر بین الامرین، ج ۱، ص ۳، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، در موسسه الامام الخوئی، ج ۴۹، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰/۲۰۰۹.

مطالبی بر مباحث درس خوبی افزوده است.

### ← تقریرات مبتنی بر مکاسب

مهمترین تقریرات چلپ شده درس فقه او یا به ترتیب مباحث مکاسب شیخ انصاری یا بر محور عروة الوثقی است.

[۲۳۴] خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۲.

از جمله تقریرات نوع اول عبارت‌اند از:

مصباح الفقاهة فی المعاملات اثر محمدعلی توحیدی (متوفی ۱۳۹۵)، مشتمل بر دوره کامل مکاسب. جلد اول آن نخست در ۱۳۷۴ در نجف چلپ شد. خوبی در تقریظ خود (۱۳۷۳) تتبع و تحقیق و تنقیح و وسعت آگاهی نویسنده از مصادر روایات را ستوده است؛

التفیح فی شرح مکاسب به قلم علی غروی تبریزی؛ محاضرات فی الفقه الجعفری به قلم سید علی هاشمی شاهرودی، چلپ ۱۳۷۳ نجف.

[۲۳۵] مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱-۲۴۲، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ ش.

[۲۳۶] مدرسی طباطبائی، حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه: کلیات و کتابشناسی، ج ۱، ص ۳۴۶، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد ۱۳۶۸ ش.

### ← تقریرات مبتنی بر عروة الوثقی

از تقریرات مبتنی بر عروة الوثقی اینها هستند:

التفیح فی شرح العروة الوثقی نوشته علی غروی تبریزی، در مباحث طهارت و اجتهاد و تقلید. در تقریظ خوبی (۱۳۷۷)، به لحاظه مؤلف بر دقایق مباحث اشاره شده است؛

المستند فی شرح العروة الوثقی به قلم مرتضی بروجرودی، در مباحث صلوة، صوم و اعتکاف، زکات، خمس و اجاره؛

المعتمد فی شرح العروة الوثقی به قلم سید رضا خلخالی، مشتمل بر مباحث حج. چون که مبحث حج عروة الوثقی کامل نیست، خوبی بقیه مطالب را به ترتیب مناسک حج خود درس داد و خلخالی نیز این بخش از تقریرات را المعتمد فی شرح المناسک نامید؛

مبانی العروة الوثقی به قلم فرزندش محمدتقی خوبی، مشتمل بر مباحث مضاربه، شرکت، مزارعه، مساقات، ضمان، حواله، نکاح و وصیت؛

تحریر العروة الوثقی اثر قربانعلی کابلی؛

دروس فی فقه الشیعة (مدارک العروة) به قلم سیدمحمدی خلخالی، چلپ ۱۳۷۸ نجف

[۲۳۷] آقایز رگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۴۰، چلپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

[۲۳۸] مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۲، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ ش.

الدرر الغوالی فی فروع العلم الاجمالی نوشته رضا لطفی، چلپ ۱۳۶۷ نجف.

[۲۳۹] آقایز رگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۸، ص ۱۲۹، چلپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

شماری دیگر از تقریرات فقهی او عبارت‌اند از: فقه العترة فی زکاة الفطرة به قلم سید محمدتقی حسینی جلالی؛

رسالة فی احکام الرضاع به قلم محمدتقی ایروانی و سیدمحمدی خلخالی، حاصل درس‌های خوبی در رمضان ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵، چلپ ۱۴۱۲ نجف.

[۲۴۰] موسوی خلخالی، محمدمحمدی، «السید ابوالقاسم الخوئی: الفقیه و الاصولی»، ص ۱۵، پانویس ۱، در الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۲۴۱] موسوی خلخالی، محمدمحمدی، «السید ابوالقاسم الخوئی: الفقیه و الاصولی»، ص ۱۶، پانویس ۱، در الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

رسالة فی حکم اوانی الذهب به قلم سیدمحمدی حجازی شهرضایی و رساله فی الارث نوشته محمد جواهری، شرحی بر مبحث ارث اثر فتوایی خوبی، منهاج الصالحین (برای آگاهی از تقریرات دیگر فقهی و اصولی رجوع کنید به آدرس‌های ذیل؛

[۲۴۲] آقایز رگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۲۱۹، چلپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

[۲۴۳] آقایز رگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۶، چلپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

[۲۴۴] آقایز رگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۶، ص ۳۱، چلپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

[۲۴۵] آقایز رگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۶، ص ۲۲۶، چلپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

(

خوبی در زندگینامه‌اش  
[۲۴۶] خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۵.  
از این دسته آثار نیز نام برده است.

#### ← آثار غیر فقهی

آثار غیر فقهی وی عبارت‌اند از: **البیان فی تفسیر القرآن** در یک مجلد، شامل مقدمه‌های مهم و مبسوط درباره برخی مباحث علوم قرآنی و نیز تفسیر **سوره حمد**. البیان از آغاز انتشار (۱۳۷۵) در نجف

[۲۴۷] مشار، خانابابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ ش.

(مورد توجه مجامع علمی و مبنای درس‌های این رشته در حوزه و دانشگاه قرار گرفت.

[۲۴۸] ایازی، محمدعلی، «چه کسانی مروج مکتب تفسیری آیت‌الله خوئی شدند؟»، ج ۱، ص ۲۳۱، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

**محبصاق نجمی** و هاشم هاشم‌زاده هریسی این اثر را با عنوان بیان در علوم و مسائل کلی **قرآن** و خلاصه آن را با عنوان شناخت قرآن به **فارسی** برگردانده‌اند. فصل اعجاز آن را نیز **جعفر سبحانی** با عنوان مرزهای اعجاز به فارسی ترجمه کرده که در ۱۳۴۹ ش چاپ شده است (برای سایر ترجمه‌ها رجوع کنید به البیان فی تفسیر القرآن)؛ رساله‌ای در فحلت الاعجاز (نجف ۱۳۴۲) اثری کلامی در دفاع از کرامت قرآن که آن را در ۲۵ سالگی در پاسخ به کتب حسن الایجاز فی ابطال الاعجاز (بولاق ۱۹۱۲) اثر فردی با نام مستعار نصیرالدین طاهر نوشته و جاودانگی قرآن را به‌عنوان معجزه خاتم پیامبران اثبات کرده است

[۲۴۹] **اقابنرگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۴، ص ۲۴۶، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.**

اثر رجالی مهم او **معجم رجال الحديث**.

#### ← آثار فقهی

آثار فقهی او با رویکرد استدلالی عبارت‌اند از:

مبانی تکملة منهاج‌الصالحین، شرح استدلالی رساله عملیه تکملة منهاج‌الصالحین، که به مبانی و ادله فتاوی خود در آن اثر پرداخته است. این اثر که به فقه جزا اختصاص دارد، از مهم‌ترین و استوارترین متون فقهی امامی در زمینه حقوق کیفری و جنایی به‌شمار رفته است  
[۲۵۰] گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ۱، ص ۲۰۸، تحقیقات اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).

رساله فی اللبس المشکوک، که به گفته خودش در ابتدای رساله

[۲۵۱] خوبی، سید ابوالقاسم، رساله فی اللبس المشکوک، ج ۱، ص ۳، موسوعه الامام الخوئی، ج ۴۹، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰/۲۰۰۹.  
آن را همزمان با تدریس این بحث نگاشته و نخستین بار در ۱۳۶۲ در نجف چاپ شده است.

[۲۵۲] **اقابنرگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۴۳۷، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.**

[۲۵۳] **اقابنرگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۸، ص ۲۹۳، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.**

[۲۵۴] مشار، خانابابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ ش.

[۲۵۵] مدرسی طباطبائی، حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه: کلیت و کتابشناسی، ج ۱، ص ۳۴۶، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد ۱۳۶۸ ش.

[۲۵۶] که تاریخ ۱۳۶۱ را ذکر کرده‌اند، انصاری قمی، ناصرالدین، ج ۱، ص ۷۲، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

برخی از این آثار فقهی و غیر فقهی خوبی نیز منتشر نشده‌اند.

[۲۵۷] **اقابنرگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۵۳۰، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.**

[۲۵۸] **اقابنرگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۲۱۳، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.**

[۲۵۹] **اقابنرگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۳۵۴، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.**

[۲۶۰] **اقابنرگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۳، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.**

[۲۶۱] قسم ۱، ص ۷۲، اقبانرگ طهرانی، محمدحسن، طبقات اعلام الشیعة: نباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد، قسم ۱-۴، ۱۴۰۴.

[۲۶۲] طریحی، محمد سعید، «الامام الخوئی: سیره مشرقیه و آثار خالده»، ج ۱، ص ۷۴۵-۷۴۶، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴ الف).

#### ← رساله‌های عملیه و فتاوی

این آثار با نام‌های گوناگون به صورت مستقل یا حاشیه بر آثار دیگران یا به صورت مجموعه‌هایی در پاسخ به استفتائات گوناگون به **عربی** یا فارسی تنظیم شده و برخی از آن‌ها به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شده است. از شماری از آنها، آثار فشرده‌تری با عناوینی مانند منتخب و تلخیص استخراج شده است. برخی از آثار فتاوی خوبی، در مجموعه‌هایی همراه با فتاوی مراجع دیگر به‌چاپ رسیده است.

[۲۶۳] خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۲.

[۲۶۴] انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۷۴-۷۲، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

یکی از این آثار، حاشیه او بر **عروة الوثقی** است. خوبی نخست حاشیه‌ای بر این کتب فتاوی نوشت که در جلسه استفتا با حضور شاگردان زبده‌اش تنظیم شده بود، ولی پس از تدریس دوره کامل عروة بار دیگر بر آن حاشیه زد که گفته‌اند حدود یک سوم آن با حاشیه قبلی متفاوت است.

[۲۶۵] مددی، احمد، «گفتگو با آیت‌الله سیداحمد مددی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

مهم‌ترین اثر فتاوی خوبی، **منهاج‌الصالحین** است. خوبی در مقدمه آن نوشته است که این اثر را به درخواست جمعی از اهل علم و مؤمنین، نخست بصورت تعلیقه بر منهاج‌الصالحین **سیدمحمسن حکیم** طراحی کرده است. سپس تعلیقه‌های خود را به‌جای آرای حکیم در متن گنجانده و با تغییر دادن برخی عبارات و ترتیب برخی مسائل، کتب حکیم را بر پایه فتاوی خود بازنویسی کرده است. این اثر، نخست در ۱۳۹۰ در نجف به چاپ رسید و پس از آن بارها تجدید چاپ شد.

[۲۶۶] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۹۷، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.

**سید تقی طباطبائی قمی** منہاج الصالحین خوبی را با عنوان **مبانی منہاج الصالحین** در ده جلد شرح کرده است. شماری از فقہای پس از خوبی، به ویژه شاگردان او، با الهام گرفتن از روش خوبی در تالیف این اثر فتوایی، رسالہ‌های عملیہ خود را با عنوان منہاج الصالحین تالیف کرده‌اند. باتوجه به این‌که در **منہاج الصالحین حکیم ابواب فضا، شہادت، حدود، فصلاص و دیلت** گنجانده نشده بود، خوبی در مقدمه تکملا گفته است که به سبب پرسش‌های فراوان در این مباحث، آرای خود را در این ابواب، به روش فتوایی تدوین و کتب تکملا منہاج الصالحین را تالیف کرده است. بنابراین منہاج الصالحین خوبی و تکملا آن، همه ابواب فقہی (از طہارت تا دیلت) را در بردارند.

خوبی منظومہ‌ای با مطالب گوناگون، به ویژه درباره **امام علی و اہلبیت** (علیہم السلام)، در ۱۶۳ بیت سروده است.

[۲۶۷] که این منظومہ را دارای ۹۰ بیت معرفی کرده، صدرایی خوبی، علی، ج ۱، ص ۱۷۲، سیمای خوی، تہران ۱۳۷۳ ش.

محمد مهدی موسوی خرسن این آرزوہ را با عنوان **علی امام الزیرة** شرح کرده که با مقدمه سید علی حسینی بهشتی به چلپ رسیده است (بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳). خوبی قصیدہ‌ای نیز در رثای دامادش سید نصرالله مستنبت سروده است.

[۲۶۸] نصیراوی، ابراہیم، «الامام الراحل: مشاہدات و تکریت»، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۳، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

بسیاری از آثار پیشین، در مجموعہ‌ای با نام **موسوعۃ الامام الخونی** در پنجاه مجلد گرد آمده است. از این میان ۳۳ مجلد نخست، شامل تعدادی از تقریرات درس فقہ خوبی به ترتیب عروۃ الوثقی است. یک جلد نیز به فهرست این کتاب‌ها اختصاص دارد. شش مجلد بعدی، شامل دو اثر از تقریرات دوره متقدم درس فقہ خوبی به ترتیب **مکاسب شیخ انصاری** است: مصباح الفقاهة فی المعاملات (بخش مکاسب محرمہ، ج ۳۵) و التتقیح فی شرح مکاسب (در بیع و خیرات، ج ۳۶ تا ۴۰). مجلدات ۴۱ و ۴۲ این مجموعہ، شامل مبانی تکملا المنہاج خوبی است. در این ۴۲ مجلد، یک دوره کامل **فقہ استدلالی** به ترتیب ابواب فقہی گنجانده شده است. مجلدات ۴۳ تا ۴۸، یک دوره کامل اصول فقہ را در بردارد، یعنی محاضرات فی اصول الفقہ (ج ۴۳ تا ۴۶) و مصباح الاصول (ج ۴۷ تا ۴۸).

مجلد ۴۹ با عنوان مجمع الرسائل، شامل سه رسالہ از تقریرات در سہای خوبی (رسالہ فی الارث، رسالہ فی الامر بین الامرین، و رسالہ فی احکام الرضاع)، دو رسالہ از آثار علمی او (رسالہ فی اللبس المشکوک و رسالہ فی نفلت الاعجاز) و مقدمه مبسوط معجم رجال الحدیث با عنوان رسالہ فی کلیت علم الرجال است. البیان فی تفسیر القرآن نیز در مجلد پایانی این مجموعہ آمده است.

## خدمات اجتماعی

آیت‌الله العظمی خوئی (رحمۃ اللہ علیہ)، فرد شاخص و چهرہ بسیار ممتازی بود که دہہ‌ها اثر ماندنی و بنای خیر جاودان از او به یادگار مانده است علاقه ایشان به گسترش **اسلام** در سطح جهان، انگیزہ‌ای شده بود که دہہ‌ها مرکز مهم اسلامی و تبلیغی در نقاط مختلف جهان به وجود آوردند این مؤسست مراکز نشر اسلام و معاهد نشر **مکتب تشیع** هستند این مراکز در شهرهای مذهبی **قم** و **مشهد مقدس**، **اصفہان** و دیگر شهرهای **ایران** به وجود آمده‌اند، آنچنان که در کشورهای **ہندوستان**، **پاکستان**، **عراق**، **لبنان** و مخصوصاً در **انگلستان** و **آمریکا** دو مرکز بسیار باشکوه و آبرومندی به وجود آورده‌اند و مبلغانی که آشنا به زبان‌های زنده جهان بوده‌اند، به مناطق مختلف اعزام نموده‌اند اینک فهرست اجمالی برخی از خدمات اجتماعی و اسلامی آن فقیہ فقید نامور در اینجا به ثبت می رسد:

۱. مدینة العلم **حوزہ علمیه قم**، با امکانت وسیع و خانہ‌ها و منازل مسکونی طلاب، و کتابخانہ جهت طلاب علوم دینی، بصورت شهرک علم و دانش.

۲. مدرسہ علوم دینی در ۷ طبقہ و کتابخانہ معظم مشہد جهت طلاب و محصلین علوم اسلامی.

۳. دار العلم اصفہان جهت طلاب و عاشقان **معارف اسلامی**.

۴. مجتمع امام زمان (عجل اللہ فرجہ الشریف) در اصفہان.

۵. مرکز تبلیغی و آموزشی لندن ساختمان کامل و مجهزی که تمام نیازمندی‌های **مسلمانان** را در نظر دارد.

۶. المجتمع الثقافی الخیری بمبئی - ہندوستان.

۷. میرہ الامام الخونی لبنان.

۸. مدرسہ دار العلم **نجف اشرف** - عراق.

۹. مدارس دینی بانکوک (تایلند) و داکار (بنگلادش).

۱۰. مکتبہ الثقافہ و النشر للطباعہ و الترجمہ و التوزیع (انتشاراتی پاکستان).

۱۱. مکتبہ الامام الخونی الاسلامی نیویورک - آمریکا.

۱۲. مرکز الامام الخونی (سوانزی).

۱۳. مدرسہ دار العلم بانکوک (تایلند).

۱۴. مکتبہ الامام الخونی (کتابخانہ بزرگ نجف اشرف - عراق).

۱۵. مدرسہ الامام الصالح (پسرانہ) لندن - انگلستان.

۱۶. مدرسہ الزہرا (دخترانہ) لندن - انگلستان.

۱۷. مرکز اسلامی امام خوئی در **فرانسہ**.

۱۸. **مسجد** و مرکز اسلامی در شهر لوس آنجلس - آمریکا.

۱۹. مسجد و مرکز اسلامی در شهر دیترویت ایالت میشیگان آمریکا.

۲۰. دہہا بنای خیر و مرکز تعلیم و تربیت در کشورهای عربی حوزہ **خلیج فارس**.

## فرزندان

مشہورترین فرزندان سید ابوالقاسم خوبی که از عالمان دینی بودند، عبارت‌اند از: سید جمال‌الدین، سید محمدتقی، سید عبدالمجید و سید علی.

## ← سیدجمال‌الدین

سید جمال‌الدین، فرزند ارشد خوبی در ۱۳۳۷ در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری دروس مقدماتی و متون فقہی و اصولی، دروس عالی و نیز **منطق** و **فلسفہ** را نزد کسانی چون محمدباقر زنجانی و صدرا بادکوبہ‌ای فراگرفت. سیدجمال‌الدین سپس در درس خارج پدرش شرکت کرد. او همچنین به تدریس متون گوناگون پرداخت. سیدجمال‌الدین بخش عمدہ وقتش را صرف امور زعامت و مرجعیت پدرش کرد. او در ۱۳۵۹ ش/ ۱۹۸۰ به دستور حکومت بعثی، عراق را ترک کرد و ناگزیر مدتی را در **مشق** اقامت کرد. حدود چهار سال بعد، به سرطان دچار شد و پس از مدتی در **تہران** ساکن شد. **امام خمینی** فرزندش **سیداحمد** را به عیادت او فرستاد. وی در ۱۳۶۳ ش در **ایران** درگذشت و در **حرم حضرت معصومہ** به خاک سپرده شد.

آثار او عبارت‌اند از: شرح کفایة الاصول آخوند خراسانی، بحث فی الفلسفہ و علم الکلام، توضیح المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، شرح **منظومہ** اثر **سبزواری**، بحوث فی کتب شرح نہج البلاغہ اثر **ابن ابی الحدید**، تیسیر الدراسة النحویة، شرح دیوان المتنبی، دیوان شعر به فارسی و کشکولی شامل بسیاری از مباحث و تعلیقات علمی و ادبی و فلسفی و شواہد شعری.

[۲۶۹] طریحی، محمد سعید، «السید جمال‌الدین الخونی: ۱۳۳۷-۱۴۰۴»، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۷، الموسوم (۱۴۱۴ اب).

## ← سیدمحمدتقی

سید محمدتقی خوبی در ۱۳۳۷ش در نجف به دنیا آمد. او دروس دوره سطح را نزد استادانی چون **سیدعبدالصاحب حکیم** فراگرفت و سپس در **درس خارج** پدرش شرکت کرد. پس از تأسیس بنیاد خوبی در ۱۳۶۸ش، سیدمحمدتقی به عنوان دبیرکل آن برگزیده شد. پس از انتفاضة شعبان ۱۴۱۱ (۱۳۶۹ش)، وی عضو هیئت منتخب پدرش برای اداره مناطق آزاد شده بود.

در پی سرکوب این قیام و قتل عام بسیاری از شیعیان، او به همراه پدرش در **کوفه** در حصر خانگی قرار گرفت و سرانجام در ۳۰ تیر ۱۳۷۳ در حادثه رانندگی مشکوکی (در مسیر **کربلا** به **نجف**) جان سپرد. علاوه بر تقریرات درس فقه پدرش، کتب **الالتزام التبعیة فی العقود** (بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳) از آثار مهم اوست.

[۲۷۱] شاکری، حسین، «الامام السید الخوئی: سیرة و نکریلت»، ج ۱، ص ۲۵۴، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۲۷۲] شاکری، حسین، «الامام السید الخوئی: سیرة و نکریلت»، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۵۷، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

## ← سیدعبدالمجید

سید عبدالمجید، فرزند دیگر خوبی در انتفاضة ۱۴۱۱ عراق، نقشی اساسی داشت. او پس از شکست انتفاضة از عراق گریخت و به لندن رفت و پس از درگذشت سیدمحمدتقی در رأس بنیاد خوبی قرار گرفت. او با همکاری عراقین تبعیدی برای سرنگونی حکومت بعثی عراق بسیار کوشید. پس از حمله **آمریکا** به عراق در ۳۸۲ش/۲۰۰۳ و سقوط صدام، عبدالمجید به عراق بازگشت و تلاش کرد در وقایع سیاسی عراق تأثیرگذار باشد، ولی اندکی بعد در یک عملیات تروریستی در نجف به همراه چند تن از همراهانش به شهلت رسید.

## وفات

آیت الله العظمی خوئی در مدت زعامت خود با مصائب و مشکلات فراوانی روبرو شد، زیرا پس از تسلط عبدالکریم قاسم بر **عراق** و کودتاهای مکرر، وضع روحانیت و مردم نجف، دچار مشکل شد. کمونیست‌های وطنی از یکسو و بعثی‌های بی‌رحم از طرف دیگر، عرصه را بر روحانیت تنگ کردند خصوصاً از سال ۱۳۸۹ که بعثی‌ها روی کار آمدند، مصائب فراوانی آفریده و **آیت الله حکیم** و پس از وی آیت الله خوئی را با مشکلات انبوهی روبرو نمودند در شهامت و استقامت ایشان همین بس که از دوران تسلط بعثی‌ها تا به امروز که ربع **قرن** از آن می گذرد، آنان نتوانستند از این مرجع بزرگ، برگی به نفع خود دریافت کنند، یا در جنگ تحمیلی علیه ایران، دست خطی از او بگیرند و او پیوسته با حفظ **مرجعیت** و **حوزه علمیه نجف**، کوچکترین باجی به آنان نداد و در عین حال نامالیمت را تحمل می کرد، تا آنجا که متجاوز از ده سال است که گروهی از نزدیکترین یاران او به جرم خدمت و دیانت به زندان افتادند و از سرنوشت آنان خبری نیست، حتی یکی از فرزندان او یعنی آقای سید ابراهیم خوئی به وسیله بعثیان ربوده شده و هیچ نوع نام و نشانی از او در دست نیست. او به خاطر نامالیمت از یک طرف و کبر سن از طرف دیگر، دچار بیماری سختی شد و هر چه علاقمندان و بزرگان تلاش کردند که برای او پزشکی از خارج بیاورند، یا او را به خارج ببرند، **حزب بعث** با آن موافقت نکرد و سرانجام به بیمارستان **بغداد** منتقل گشت و با یک مداوای مرموز او را مرخص کردند.

[۲۷۳] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۵۰، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ش. و هیچ روشن نیست که چگونه و به چه علتی از جهان رفت و در تاریخ مرجعیت شیعه این مساله به تجربه ثابت شده است هر مرجعی که به بیمارستان بغداد منتقل گشت، مرموزانه درگذشت و شما می توانید این مساله را در تاریخ زندگی **شیخ احمد کاشف الغطاء** (م ۱۳۴۴) و **حاج آقا حسین قمی** (م ۱۳۶۶) و آیت الله حکیم (م ۱۳۹۰) و غیره به روشنی ببینید.

خوبی سرانجام در ۱۷ مرداد ۱۳۷۱/۸/۱۳۷۱، در ۹۶ سالگی درگذشت. پیکر او شب‌هنگام با حضور مأموران امنیتی عراق و با حضور محدودی از نزدیکانش، پس از نمازگزاردن **آیت الله سیدعلی سیستانی** بر پیکر وی، در مقبره خانوانگی مخصوصی که خود در غرفه‌ای جنب **مسجد خضرا** آماده کرده بود، به خاک سپرده شد.

[۲۷۴] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة العلیا فی النجف الاشراف، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۶، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.

[۲۷۵] صغیر، محمد، اساطین المرجعیة العلیا فی النجف الاشراف، ج ۱، ص ۳۰۳، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.

خبر درگذشت او ساعت‌ها مکتوم ماند. و سرانجام رادیو بغداد مجبور به بازگویی آن شد.

با انتشار خبر درگذشت خوبی، در نجف و **کوفه** حکومت نظامی برقرار شد و در بغداد و سایر شهرهای شیعه‌نشین نیروهای نظامی به حالت آمادگی در آمدند.

[۲۷۶] انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۹۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

حکومت عراق از تشکیل مجالس سوگواری و بزرگداشت و حتی به بهانه تعمیر مسجد خضرا از رفتن بر سر مزار او جلوگیری کرد، ولی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی مجالس متعددی در بزرگداشت او برگزار شد.

[۲۷۷] «الساعات الاخیرة فی حیاة الامام الراحل»، ص ۳۰۱-۳۰۰، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۲۷۸] شاکری، حسین، «الامام السید الخوئی: سیرة و نکریلت»، ج ۱، ص ۲۵۴، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

برخی از نزدیکان خوبی با ذکر قرآینی مرگ او را مشکوک دانسته‌اند.

[۲۷۹] «الساعات الاخیرة فی حیاة الامام الراحل»، ص ۳۰۱-۳۰۰، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

[۲۸۰] سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۵۰، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ش.

[۲۸۱] شهابی، سعیدمحمد، «رحیل الامام الخوئی: فصل آخر من فصول معاناة العراق»، ج ۱، ص ۳۳۸-۳۳۷، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

پیشتر، در ۱۴۰۰/۱۹۸۰ نیز در حادثه‌ای مشکوک، اتومبیل خوبی در مسیر کوفه به نجف منفجر شده بود ولی او بخطرز شگفتی‌آوری نجات یافته بود.

[۲۸۲] شاکری، حسین، «الامام السید الخوئی: سیرة و نکریلت»، ج ۱، ص ۲۵۴، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

## فهرست منابع

- (۱) آقابزرگ طهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
- (۲) آقابزرگ طهرانی، محمدحسن، طبقات اعلام الشیعة: نباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد، قسم ۱-۴، ۱۴۰۴.
- (۳) مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران: ۳۷۴ش.
- (۴) امینی، محمدهادی، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام، نجف ۱۳۸۴/۱۹۶۴.

- (۵) انصاری، مرتضی، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری قس سره، قم ۱۳۷۳ ش.
- (۶) انصاری قمی، ناصر الدین، «جوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- (۷) ایازی، محمدعلی، «چه کسانی مروج مکتب تفسیری آیت الله خوئی شدند؟»، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- (۸) ایروانی، باقر، «مرجعیه الامام الخوئی (قس سره): السمات و المعالم»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۹) ایروانی، محمدتی و محمد مهدی موسوی خلخالی، رساله فی احکام الرضاع فی فقه الشیعة، تقریرات درس آیت الله ابوالقاسم خوئی، در موسوعه الامام الخوئی، ج ۴۹، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۳۳۰/۲۰۰۹.
- (۱۰) بحر العلوم، محمد، «الامام الخوئی: و انجازاته العلمية و مشاريعه العامه»، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی، (قم): مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
- (۱۱) بروجردی، محمدتی، «نهایه الافکار»، تقریرات درس آیت الله عراقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، (۱۳۶۴ ش).
- (۱۲) توحیدی، محمدعلی، مصباح الفقاهة فی المعاملات، تقریرات درس آیت الله ابوالقاسم خوئی، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲.
- (۱۳) جعفری، محمدتی، رساله فی الامر بین الامرین، تقریرات درس آیت الله ابوالقاسم خوئی، در موسوعه الامام الخوئی، ج ۴۹، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۳۳۰/۲۰۰۹.
- (۱۴) جعفری همدانی، غلامحسین، «مصاحبه با آیت الله میرزا غلامحسین جعفری همدانی»، حوزة، سال ۹، ش ۴ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
- (۱۵) حسینی میلانی، فاضل، «المرجعیه المتمیزة للامام الخوئی»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۱۶) حسینی همدانی، محمد، «مصاحبه با استاد آیت الله حسینی همدانی (نجفی)»، حوزة، سال ۵، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷).
- (۱۷) حکمی، مرتضی، «الامام الخوئی و انطلاقه العلامة الجعفری الفلسفیة»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۱۸) حکمی، مرتضی، «حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی: پیشوای حوزة علمیه و مرجع عظیم الشان»، مسجد، سال ۱، ش ۵ (شهریور - مهر ۱۳۷۱).
- (۱۹) حبشه، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت الله خوئی»، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- (۲۰) خن مجدی، یوسف، اندیشه سیاسی شیخ عبدالکریم زنجانی، قم ۱۳۸۸ ش.
- (۲۱) خوئی، سید ابوالقاسم، النیاب فی تفسیر القرآن، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
- (۲۲) خوئی، سید ابوالقاسم، «پاسخ به استفتائاتی درباره حزب کمونیست»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۲۳) خوئی، سید ابوالقاسم، رساله فی اللباس المشکوک، موسوعه الامام الخوئی، ج ۴۹، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۳۳۰/۲۰۰۹.
- (۲۴) خوئی، سید ابوالقاسم، رساله فی فحلت الاعجاز فی رد الکتب المسمی حُسن الایجاز، موسوعه الامام الخوئی، ج ۴۹، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۳۳۰/۲۰۰۹.
- (۲۵) خوئی، سید ابوالقاسم، کتب اجود تقریرات، تقریرات درس آیت الله نائینی، قم: کتابفروشی مصطفوی، (بی تا).
- (۲۶) خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، نجف (۱۹۷۵-۱۹۷۶).
- (۲۷) خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳، چلپ افست قم (بی تا).
- (۲۸) خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، نجف ۱۳۹۷.
- (۲۹) خوئی، سید ابوالقاسم و جواد تبریزی، صراة النجاة استفتاءات آیت الله العظمی الخوئی مع تعلیقه و ملحق لآیت الله العظمی التبریزی، قم ۱۴۱۶/۱۴۱۸.
- (۳۰) داوری، مسلم، «الامام الخوئی ز عیم الحوزة العلمیه»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۳۱) روحانی، حمید، نهضت امام خمینی، ج ۲، تهران ۱۳۷۶ ش.
- (۳۲) «الساعات الاخیره فی حیاة الامام الراحل»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۳۳) ساعدی، محمد رضا، «خاطراتی از شیخ محمد رضا ساعدی از اعضای هیأت آیت الله خوئی در ماجرای انتفاضه ۱۹۹۱ عراق»، شهروند امروز، سال ۴، ش ۳ (۲۵ تیر ۱۳۹۰).
- (۳۴) سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
- (۳۵) شریف، سعید، «تلامذة الامام الخوئی»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۳۶) شریف، سعید، «قبس من نور: تلامذة السيد الخوئی دام ظلهم»، الموسم، ش ۷ (۱۹۹۰).
- (۳۷) سودانی، عبدالفتاح، «الامام الخوئی مدرسة فی التفسیر و الحديث»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۳۸) شاکری، حسین، «الامام السيد الخوئی: سیره و ذکر یته»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۳۹) شاکری، حسین، ذکر یاتی، قم ۱۴۱۸-۱۴۲۴.
- (۴۰) شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه ای از دریا، قم ۱۳۸۹ ش.
- (۴۱) شریف رازی، محمد، آثار الحجة، یا، تاریخ و دائرة المعارف حوزة علمیه قم، قم ۱۳۳۲-۱۳۳۳ ش.
- (۴۲) شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران ۱۳۵۲-۱۳۵۴ ش.
- (۴۳) شهابی، سعید محمد، «رحیل الامام الخوئی: فصل آخر من فصول معاناة العراق»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۴۴) شیرازی، رضی، «مصاحبه با آیت الله سید رضی شیرازی»، حوزة، سال ۹، ش ۲ و ۳ (خرداد - شهریور ۱۳۷۱).
- (۴۵) صدراپی خوئی، علی، سیمای خوی، تهران ۱۳۷۳ ش.
- (۴۶) صغیر، محمد، اساطین المرجعیه العلیا فی النجف الاشرف، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
- (۴۷) حماده، طراد، «فکر الامام الخوئی (قس سره) فی التراث الاسلامی الشیعی المعاصر»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۴۸) طریحی، محمد سعید، «الامام الخوئی: سیره مشرقیه و آثار خالده»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴ الف).
- (۴۹) طریحی، محمد سعید، «السید جمال الدین الخوئی: ۱۳۳۷-۱۴۰۴»، الموسم (۱۴۱۴ ب).
- (۵۰) عارفی، محمدکرم، اندیشه سیاسی آیت الله خوئی، قم ۱۳۸۶ ش.
- (۵۱) جاویدان، شذی، العراق بین الماضی و الحاضر و المستقبل، بیروت: مؤسسه الفکر الاسلامی، (بی تا).
- (۵۲) علی دوست، ابوالقاسم، «گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علی دوست»، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- (۵۳) غروی، محمد، الحوزة العلمیه فی النجف الاشرف، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۴.
- (۵۴) غروی تبریزی، علی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی: التقليد، تقریرات درس آیت الله ابوالقاسم خوئی، در موسوعه الامام الخوئی، ج ۱، قم: مؤسسه احیاء الآثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ الف.
- (۵۵) غروی تبریزی، علی، الطهارة، تقریرات درس آیت الله ابوالقاسم خوئی، در موسوعه الامام الخوئی، ج ۲، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ ب.
- (۵۶) غروی تبریزی، علی، التنقیح فی شرح مکاسب البیع، تقریرات درس آیت الله ابوالقاسم خوئی، (ج ۲)، در موسوعه الامام الخوئی، ج ۳۷، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ ج.
- (۵۷) فضلی، عبدالهادی، «معالم الشخصیة العلمیه عند الامام الخوئی»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۵۸) قائینی، محمد، «گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین محمد قائینی»، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- (۵۹) قطری، منصور عبدالجلیل، «ادب الاختلاف فی حیاة الامام الخوئی»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۶۰) کاظمی خراسانی، محمدعلی، فوائد الاصول، تقریرات درس آیت الله نائینی، قم ۱۴۰۴-۱۴۰۹.
- (۶۱) گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت الله العظمی خوئی»، تحقیقات اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).
- (۶۲) قیاض، محمد اسحاق، «ابداعلت الامام الخوئی فی الابحاث الاصولیه و الفقهیة»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۶۳) قیاض، محمد اسحاق، «نوآوریهای اصولی و فقهی آیت الله خوئی»، فقه، ش ۱۷ و ۱۸ (پاییز - زمستان ۱۳۷۷).
- (۶۴) مغنیه، محمدجواد، «زعیم الحوزة العلمیه»، الموسم، ش ۶ (۱۴۱۰).
- (۶۵) مددی، احمد، «گفتگو با آیت الله سید احمد مددی»، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
- (۶۶) مدرس طباطبائی، حسین، مقدمه ای بر فقه شیعه کلیت و کتابشناسی، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد ۱۳۶۸ ش.
- (۶۷) مرقاتی، جعفر، «الامام الخوئی»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۶۸) مشار، خانابابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ ش.
- (۶۹) خباز، منیر، «ملح فی شخصیه الامام الخوئی (قس سره): ملکت فکریة لاتنوفر الالباقرة»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).



- (۷۰) «مؤسسه الامام الخوئی الخيرية: فکرها و مشاريعها»، الموسم، ش ۶ (۱۴۱۰).
- (۷۱) موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من اجلال الامام الخوئی (قدس سره) لاساتنته»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۷۲) موسوی خلخالی، محمدی، «السید ابو القاسم الخوئی: الفقيه و الاصولی»، در الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۷۳) نصیراوی، ابراهیم، «الامام الراحل: مشاهدات و تکریت»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
- (۷۴) واعظ حسینی، محمدرور، مصباح الاصول، تقریرات درس آیت الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.
- (۷۵) یثربی، میرمحمد، «سرانجام مکتب دوگانه علامه وحید بهبهانی و شیخ مرتضی انصاری چه شد؟»، (مصلحیه)، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).

## پانویس

۱. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۰.
۲. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۰.
۳. [↑](#) امینی، مهدادی، معجم رجال الفكر و الابد فی النجف خلال الف عام، ج ۶، ص ۵۵، نجف ۱۳۸۴/۱۹۶۴.
۴. [↑](#) آقابزرگ طهرانی، محمدرور، طبقت اعلام الشيعية: نقيب البشر فی القرن الرابع عشر، قسم ۱، ص ۷۱، مشهد، قسم ۴-۱، ۱۴۰۴.
۵. [↑](#) مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۰، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ ش.
۶. [↑](#) «المرجعية المتميزة للامام الخوئی»، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۷. [↑](#) آقابزرگ طهرانی، محمدرور، طبقت اعلام الشيعية: نقيب البشر فی القرن الرابع عشر، قسم ۴، ص ۱۶۰-۱۶۱، مشهد، قسم ۴-۱، ۱۴۰۴.
۸. [↑](#) انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابو القاسم خوئی (رضوان الله عليه)»، ج ۱، ص ۵۵۵۴، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۹. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۰.
۱۰. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۰.
۱۱. [↑](#) شیرازی، رضی، «مصلحیه با آیت الله سید رضی شیرازی»، ج ۱، ص ۱۷، حوزه، سال ۹، ش ۲ و ۳ (خرداد - شهریور ۱۳۷۱).
۱۲. [↑](#) انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابو القاسم خوئی (رضوان الله عليه)»، ج ۱، ص ۵۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۳. [↑](#) خن مجدی، یوسف، اندیشه سیاسی شیخ عبدالکریم زنجانی، ج ۱، ص ۳۷، قم ۱۳۸۸ ش.
۱۴. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۰۲۵.
۱۵. [↑](#) حسینی همدانی، محمد، «مصلحیه با استاد آیت الله حسینی همدانی (نجفی)»، ج ۱، ص ۳۷، حوزه، سال ۵، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷).
۱۶. [↑](#) جعفری همدانی، غلامحسین، «مصلحیه با آیت الله میرزا غلامحسین جعفری همدانی»، ج ۱، ص ۲۸، حوزه، سال ۹، ش ۴ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۷. [↑](#) انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابو القاسم خوئی (رضوان الله عليه)»، ج ۱، ص ۵۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۸. [↑](#) سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعیه»، ج ۱، ص ۴۷-۴۶، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابو القاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۰.
۲۰. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۵.
۲۱. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۸.
۲۲. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۰۰.
۲۳. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۸۴.
۲۴. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، نفلت الاعجاز، ص ۷.
۲۵. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، نفلت الاعجاز، ص ۲۹.
۲۶. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، نفلت الاعجاز، ص ۴۲.
۲۷. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، نفلت الاعجاز، ص ۴۴.
۲۸. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۵، پانویس ۱.
۲۹. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۸، پانویس ۱.
۳۰. [↑](#) سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعیه»، ج ۱، ص ۴۷، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابو القاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۳۱. [↑](#) انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابو القاسم خوئی (رضوان الله عليه)»، ج ۱، ص ۵۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۳۲. [↑](#) حسینی همدانی، محمد، «مصلحیه با استاد آیت الله حسینی همدانی (نجفی)»، ج ۱، ص ۳۶، حوزه، سال ۵، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷).
۳۳. [↑](#) حسینی همدانی، محمد، «مصلحیه با استاد آیت الله حسینی همدانی (نجفی)»، ج ۱، ص ۴۹-۴۸، حوزه، سال ۵، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷).
۳۴. [↑](#) صغیر، محمد، اساطین المرجعية العليا فی النجف الاشراف، ج ۱، ص ۲۸۰، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
۳۵. [↑](#) شاکری، حسین، نکریاتی، ج ۱، ص ۵۳، قم ۱۴۱۸-۱۴۲۴.
۳۶. [↑](#) خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۱، پانویس ۱، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
۳۷. [↑](#) انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابو القاسم خوئی (رضوان الله عليه)»، ج ۱، ص ۵۸، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۳۸. [↑](#) حکمی، مرتضی، «حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابو القاسم خوئی: پیشوای حوزه علمیه و مرجع عظیم الشان»، ج ۱، ص ۶۱، مسجد، سال ۱، ش ۵ (شهریور - مهر ۱۳۷۱).
۳۹. [↑](#) انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابو القاسم خوئی (رضوان الله عليه)»، ج ۱، ص ۶۰-۵۹، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۴۰. [↑](#) حسینی همدانی، محمد، «مصلحیه با استاد آیت الله حسینی همدانی (نجفی)»، ج ۱، ص ۵۴، حوزه، سال ۵، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷).
۴۱. [↑](#) شریف، سعید، «قیس من نور: تلاذمة السید الخوئی دامظله»، ج ۱، ص ۱۰۰۳، الموسم، ش ۷ (۱۹۹۰).
۴۲. [↑](#) مندلی، احمد، «گفتوگو با آیت الله سید احمد مندلی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۴۳. [↑](#) ایروانی، باقر، «مرجعية الامام الخوئی (قدس سره): السمات و المعالم»، ج ۱، ص ۲۲۸، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۴۴. [↑](#) حسینی میلانی، فاضل، «المرجعية المتميزة للامام الخوئی»، ج ۱، ص ۱۰۸۱-۱۰۷، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۴۵. [↑](#) قانینی، محمد، «گفتوگو با حجت الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ۱، ص ۲۲۲، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۴۶. [↑](#) صغیر، محمد، اساطین المرجعية العليا فی النجف الاشراف، ج ۱، ص ۳۰۲-۲۹۹، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
۴۷. [↑](#) مندلی، احمد، «گفتوگو با آیت الله سید احمد مندلی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۴۸. [↑](#) سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعیه»، ج ۱، ص ۳۵، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابو القاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.

٤٩. [قائینی، محمد، «گفتوگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ١، ص ٢٢٢، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٥٠. [صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشراف، ج ١، ص ٢٦٥، پانویس ٢، بیروت ١٤٢٤/٢٠٠٣.](#)
٥١. [جعفری همدانی، غلامحسین، «مصلحیه با آیت‌الله میرزا غلامحسین جعفری همدانی»، ج ١، ص ٣٣-٣٤، حوزه، سال ٩، ش ٤ \(مهر و آبان ١٣٧١\).](#)
٥٢. [شبیروی زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، قم ١٣٨٩ ش.](#)
٥٣. [شبیروی زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، ج ٢، ص ٣٢٣، قم ١٣٨٩ ش.](#)
٥٤. [شریف رازی، محمد، آثار الحجة، ج ٢، ص ٢٦-٢٥، یا، تاریخ و دائرةالمعارف حوزه علمیه قم، قم ١٣٣٢-١٣٣٣ \(ش\).](#)
٥٥. [خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ٢٣، ص ٢٠-٢٥.](#)
٥٦. [شریف رازی، محمد، آثار الحجة، ج ٢، ص ٢٨، یا، تاریخ و دائرةالمعارف حوزه علمیه قم، قم ١٣٣٢-١٣٣٣ \(ش\).](#)
٥٧. [شریف رازی، محمد، آثار الحجة، ج ٢، ص ٢٩٥-٢٩٤، یا، تاریخ و دائرةالمعارف حوزه علمیه قم، قم ١٣٣٢-١٣٣٣ \(ش\).](#)
٥٨. [یثربی، میرمحمد، «سرانجام مکتب دوگانه علامه وحید بهبهانی و شیخ مرتضی انصاری چه شد؟»، ص ٢٢٦، \(مصلحیه\)، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٥٩. [انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی \(رضوان‌الله‌علیه\)»، ج ١، ص ٦١، نور علم، دوره ٤، ش ١١ \(مهر و آبان ١٣٧١\).](#)
٦٠. [انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی \(رضوان‌الله‌علیه\)»، ج ١، ص ٧٥، نور علم، دوره ٤، ش ١١ \(مهر و آبان ١٣٧١\).](#)
٦١. [موسوی خلخالی، محمد مهدی، «السید ابوالقاسم الخوئی: الفقیه و الاصولی»، ص ٢٢١، در الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
٦٢. [داوری، مسلم، «الامام الخوئی زعیم الحوزة العلمية»، ج ١، ص ٢٢٣، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
٦٣. [ایروانی، محمدتقی و محمد مهدی موسوی خلخالی، رساله فی احکام الرضاع فی فقه الشیعة، ج ١، ص ٢٢٨-٢٢٩، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، در موسوعة الامام الخوئی، ج ٤٩، قم مؤسسه لحياء آثار الامام الخوئی، ١٤٣٠/٢٠٠٩.](#)
٦٤. [مندى، احمد، «گفتوگو با آیت‌الله سیداحمد مندى»، ج ١، ص ٢٢٧، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٦٥. [خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ٢٣، ص ٢٥-٢٠.](#)
٦٦. [صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشراف، ج ١، ص ٢٦٦، بیروت ١٤٢٤/٢٠٠٣.](#)
٦٧. [گرگی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ١، ص ٢٠٥، تحقیقات اسلامی، سال ٥، ش ١ و ٢ \(١٣٦٩ ش\).](#)
٦٨. [موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من اجلال الامام الخوئی \(قدس سره\) لاساتنته»، ج ١، ص ٤٥، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
٦٩. [خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ٢٣، ص ٢٢.](#)
٧٠. [گرگی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ١، ص ٢٠٥، تحقیقات اسلامی، سال ٥، ش ١ و ٢ \(١٣٦٩ ش\).](#)
٧١. [غروی تبریزی، علی، الطهارة، ج ٢، ص ١، مقدمه، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، در موسوعة الامام الخوئی، ج ٢، قم: مؤسسه لحياء آثار الامام الخوئی، ١٤٣٠ ب.](#)
٧٢. [گرگی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ١، ص ٢٠٥، تحقیقات اسلامی، سال ٥، ش ١ و ٢ \(١٣٦٩ ش\).](#)
٧٣. [صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشراف، ج ١، ص ٣٠٤-٣٠٣، بیروت ١٤٢٤/٢٠٠٣.](#)
٧٤. [انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی \(رضوان‌الله‌علیه\)»، ج ١، ص ٦٤، نور علم، دوره ٤، ش ١١ \(مهر و آبان ١٣٧١\).](#)
٧٥. [حسینی همدانی، محمد، «مصلحیه با استاد آیت‌الله حسینی همدانی \(نجفی\)»، ج ١، ص ٥٤-٥٥، حوزه، سال ٥، ش ٦ \(بهمین و اسفند ١٣٦٧\).](#)
٧٦. [گرگی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ١، ص ٢٠٥، تحقیقات اسلامی، سال ٥، ش ١ و ٢ \(١٣٦٩ ش\).](#)
٧٧. [حبالله، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت‌الله خوئی»، ج ١، ص ٢٢٩، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٧٨. [گرگی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ١، ص ٢٠٥، تحقیقات اسلامی، سال ٥، ش ١ و ٢ \(١٣٦٩ ش\).](#)
٧٩. [مندى، احمد، «گفتوگو با آیت‌الله سیداحمد مندى»، ج ١، ص ٢٢٧، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٨٠. [قائینی، محمد، «گفتوگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ١، ص ٢٢٢، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٨١. [فیاض، محمداسحاق، «ابداعات الامام الخوئی فی الابحث الاصولیة و الفقهیة»، ج ١، ص ٤٧، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
٨٢. [قائینی، محمد، «گفتوگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ١، ص ٢٢٢-٢٢٣، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٨٣. [مندى، احمد، «گفتوگو با آیت‌الله سیداحمد مندى»، ج ١، ص ٢٢٨-٢٢٧، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٨٤. [حماده، طراد، «فکر الامام الخوئی \(قدس سره\) فی التراث الاسلامی الشیعی المعاصر»، ج ١، ص ١٢٦، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
٨٥. [قائینی، محمد، «گفتوگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ١، ص ٢٢٢، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٨٦. [حبالله، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت‌الله خوئی»، ج ١، ص ٢٢٩، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٨٧. [فضلی، عبدالهادی، «معالم الشخصية العلمية عند الامام الخوئی»، ج ١، ص ١٤٠-١٤١، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
٨٨. [موسوی خلخالی، محمد مهدی، «السید ابوالقاسم الخوئی: الفقیه و الاصولی»، ص ٢٢١، در الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
٨٩. [ایروانی، باقر، «مرجعیه الامام الخوئی \(قدس سره\): السمات و المعالم»، ص ٢٢٩، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
٩٠. [انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی \(رضوان‌الله‌علیه\)»، نور علم، دوره ٤، ش ١١ \(مهر و آبان ١٣٧١\).](#)
٩١. [حبالله، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت‌الله خوئی»، ج ١، ص ٢٢٩، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٩٢. [موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من اجلال الامام الخوئی \(قدس سره\) لاساتنته»، ج ١، ص ٤٦، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
٩٣. [علیدوست، ابوالقاسم، «گفتوگو با حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیدوست»، ج ١، ص ٢١٩، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٩٤. [مندى، احمد، «گفتوگو با آیت‌الله سیداحمد مندى»، ج ١، ص ٢٢٧، مهرنامه، ش ١٢ \(خرداد ١٣٩٠\).](#)
٩٥. [انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی \(رضوان‌الله‌علیه\)»، ج ١، ص ٧٨، نور علم، دوره ٤، ش ١١ \(مهر و آبان ١٣٧١\).](#)
٩٦. [انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی \(رضوان‌الله‌علیه\)»، ج ١، ص ٩٣، نور علم، دوره ٤، ش ١١ \(مهر و آبان ١٣٧١\).](#)
٩٧. [صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشراف، ج ١، ص ٢٩٨-٢٩٧، بیروت ١٤٢٤/٢٠٠٣.](#)
٩٨. [داوری، مسلم، «الامام الخوئی زعیم الحوزة العلمية»، ج ١، ص ٢٢٣، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
٩٩. [شریف، سعید، «تلامذة الامام الخوئی»، ج ١، ص ٦٧٧-٦٩٥، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
١٠٠. [صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشراف، ج ١، ص ٣٣١-٣٣٥، بیروت ١٤٢٤/٢٠٠٣.](#)
١٠١. [انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی \(رضوان‌الله‌علیه\)»، ج ١، ص ٦٥-٦٦، نور علم، دوره ٤، ش ١١ \(مهر و آبان ١٣٧١\).](#)
١٠٢. [شبیروی زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، ج ٢، ص ٣٢٢، قم ١٣٨٩ ش.](#)
١٠٣. [مراقاتی، جعفر، «الامام الخوئی»، ج ١، ص ٢٦١، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)
١٠٤. [داوری، مسلم، «الامام الخوئی زعیم الحوزة العلمية»، ج ١، ص ٢٢٣، الموسم، ش ١٧ \(١٤١٤\).](#)

۱۰۵. ۵. شریف رازی، محمد، ج ۲، ص ۳، گنجینه دانشمندان، تهران ۱۳۵۲-۱۳۵۴ ش.
۱۰۶. ۱. موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من اجلال الامام الخوئی (قدس سره) لاساتنته»، ج ۱، ص ۴۶، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۰۷. ۱. ایروانی، باقر، «مرجعیة الامام الخوئی (قدس سره) : السمات و المعالم»، ۲۲۸، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۰۸. ۱. شاکری، حسین، «الامام السيد الخوئی: سيرة و نكريلت»، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۰۹. ۱. صغیر، محمد، اساطین المرجعیة العلیا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۷۷، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
۱۱۰. ۱. سبحانی، جعفر، «مرجعیة در شیعہ»، ج ۱، ص ۳۵-۳۴، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۱۱۱. ۱. خباز، منیر، «ملمح فی شخصیة الامام الخوئی (قدس سره) : ملکت فکریة لاتتوفر الا للعبقریة»، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۱۲. ۱. انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۵۵، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۱۳. ۱. انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۵۹، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۱۴. ۱. مندی، احمد، «گفتگو با آیت الله سیداحمد مندی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۱۱۵. ۱. سبحانی، جعفر، «مرجعیة در شیعہ»، ج ۱، ص ۳۴، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۱۱۶. ۱. شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه ای از دریا، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۳، قم ۱۳۸۹ ش.
۱۱۷. ۱. مندی، احمد، «گفتگو با آیت الله سیداحمد مندی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۱۱۸. ۱. انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۶۳، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۱۹. ۱. خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۳۸-۵۳۹، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
۱۲۰. ۱. خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۶۰-۵۶۱، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
۱۲۱. ۱. مغنیه، مجتهد، «زعیم الحوزة العلمیة»، ج ۱، ص ۵۲۳، الموسوم، ش ۶ (۱۴۱۰).
۱۲۲. ۱. مغنیه، مجتهد، «زعیم الحوزة العلمیة»، الموسوم، ش ۶ (۱۴۱۰).
۱۲۳. ۱. سبحانی، جعفر، «مرجعیة در شیعہ»، ج ۱، ص ۴۹-۴۸، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۱۲۴. ۱. انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۸۵-۷۷، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۲۵. ۱. صغیر، محمد، اساطین المرجعیة العلیا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۸۵-۲۸۰، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
۱۲۶. ۱. قطری، منصور عبدالجلیل، «ادب الاختلاف فی حیاة الامام الخوئی»، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۷، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۲۷. ۱. انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۸۳، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۲۸. ۱. انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۹۵-۹۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۲۹. ۱. مؤسسه الامام الخوئی الخیریة: فکر تها و مشاریعهها»، الموسوم، ج ۱، ص ۵۵۹-۵۶۶، ش ۶ (۱۴۱۰).
۱۳۰. ۱. بحر العلوم، محمد، «الامام الخوئی: و انجازاته العلمیة و مشاریعه العلمیة»، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۵، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، (قم): مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۱۳۱. ۱. قانینی، محمد، «گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ۱، ص ۲۲۴، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۱۳۲. ۱. قانینی، محمد، «گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ۱، ص ۲۲۴، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۱۳۳. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۳۰-۳۱، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۳۴. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۶۰، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۳۵. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۷۵، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۳۶. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۸۰، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۳۷. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۵، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۳۸. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۴، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۳۹. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۵، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۴۰. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۸۱، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۴۱. ۱. انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۸۹، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۴۲. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۳۵، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۴۳. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۸۳، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۴۴. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۸۵، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۴۵. ۱. انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۸۹، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۴۶. ۱. داوری، مسلم، «الامام الخوئی زعیم الحوزة العلمیة»، ج ۱، ص ۲۲۴، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۴۷. ۱. شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه ای از دریا، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۳، قم ۱۳۸۹ ش.
۱۴۸. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۸۶-۸۵، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۴۹. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۷۸، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۵۰. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۱۲، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۵۱. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۱، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۵۲. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۷۲، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۵۳. ۱. روزنامه اطلاعات، ش ۱۹۶۸۵، ۱۸ مرداد ۱۳۷۱، ص ۲.
۱۵۴. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۴۶۳، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۵۵. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۵۸۳، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۵۶. ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۵۹۱-۵۸۸، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۵۷. ۱. روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۸۱۷، ۹ فروردین ۱۳۵۸، ص ۲.
۱۵۸. ۱. داوری، مسلم، «الامام الخوئی زعیم الحوزة العلمیة»، ج ۱، ص ۲۲۴، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۵۹. ۱. سبحانی، جعفر، «مرجعیة در شیعہ»، ج ۱، ص ۴۹، در یادنامه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۱۶۰. ۱. انصاری قمی، ناصر الدین، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۹۰-۹۱، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).

۱۶۱. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، «پاسخ به استفتائاتی درباره حزب کمونیست»، ص ۳۶، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۶۲. ↑ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۳۵۱، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۶۳. ↑ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۳۶۱، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۶۴. ↑ روحانی، حمید، نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۳۵۴-۳۵۵، تهران: ۱۳۷۶ ش.
۱۶۵. ↑ شاکری، حسین، «الامام السید الخوئی: سیره و نکریت»، ج ۱، ص ۲۵۵، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۶۶. ↑ ساعدی، مهرداد، «خطراتی از شیخ مهرداد ساعدی از اعضای هیئت آیت‌الله خوبی در ماجرای انتفاضه ۱۹۹۱ عراق»، ج ۱، ص ۶۹-۷۰، شهروند امروز، سال ۴، ش ۳ (۲۵ تیر ۱۳۹۰).
۱۶۷. ↑ انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۹۱-۹۲، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۶۸. ↑ سوادنی، عبدالفتاح، «الامام الخوئی مدرسة فی التفسیر و الحدیث»، ج ۱، ص ۱۳۱، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۶۹. ↑ جلودیان، شذی، العراق بین الماضي والحاضر والمستقبل، ص ۷۲۵، بیروت: مؤسسة الفكر الاسلامی، (بی‌تا).
۱۷۰. ↑ انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۸۲، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۷۱. ↑ انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)»، ج ۱، ص ۹۲، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۱۷۲. ↑ شاکری، حسین، «الامام السید الخوئی: سیره و نکریت»، ج ۱، ص ۲۵۴، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۷۳. ↑ سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۵۰، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۱۷۴. ↑ فیاض، محمداسحاق، «ابداعیات الامام الخوئی فی الابحاث الاصولیة و الفقهیة»، ج ۱، ص ۵۳-۵۶، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۷۵. ↑ صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیبا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۷، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
۱۷۶. ↑ کلظمی، خراسانی محمدعلی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۵۳، تقریرات درس آیت‌الله نائینی، قم ۱۴۰۹-۱۴۰۹.
۱۷۷. ↑ بر و جردی محمدنقی، نهاییة الافکار، ج ۵، ص ۲۰۵۲، قسم ۲، تقریرات درس آیت‌الله عراقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، (۱۳۶۴ ش).
۱۷۸. ↑ فیاض، محمداسحاق، «ابداعیات الامام الخوئی فی الابحاث الاصولیة و الفقهیة»، ج ۱، ص ۵۵، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۷۹. ↑ واعظ حسینی، محمدرور، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۲، تقریرات درس آیت‌الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.
۱۸۰. ↑ واعظ حسینی، محمدرور، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۲۷۴-۲۷۰، تقریرات درس آیت‌الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.
۱۸۱. ↑ فیاض، محمداسحاق، «ابداعیات الامام الخوئی فی الابحاث الاصولیة و الفقهیة»، ج ۱، ص ۵۵، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۸۲. ↑ فیاض، محمداسحاق، «نوآوریهای اصولی و فقهی آیت‌الله خوبی»، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۶، فقه، ش ۱۷ و ۱۸ (پاییز - زمستان ۱۳۷۷).
۱۸۳. ↑ موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من اجلال الامام الخوئی (قس سره) لاسانتنته»، ج ۱، ص ۴۵-۴۶، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۸۴. ↑ واعظ حسینی، محمدرور، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۶۲-۱۶۵، تقریرات درس آیت‌الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.
۱۸۵. ↑ مندی، احمد، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مندی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۱۸۶. ↑ قائینی، محمد، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قائینی»، ج ۱، ص ۲۲۴، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۱۸۷. ↑ حبالبه، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت‌الله خوئی»، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۲۸، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۱۸۸. ↑ واعظ حسینی، محمدرور، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۳۶، تقریرات درس آیت‌الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.
۱۸۹. ↑ واعظ حسینی، محمدرور، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۴۱، تقریرات درس آیت‌الله خوئی، (قم) ۱۳۸۰ ش.
۱۹۰. ↑ حبالبه، حیدر، «تأثیرات مکتب اجتهادی آیت‌الله خوئی»، ج ۱، ص ۲۲۹، ترجمه عبدالله امینی، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۱۹۱. ↑ علیدوست، ابوالقاسم، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیدوست»، ج ۱، ص ۲۲۰، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۱۹۲. ↑ فیاض، محمداسحاق، «ابداعیات الامام الخوئی فی الابحاث الاصولیة و الفقهیة»، ج ۱، ص ۵۶-۵۸، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۹۳. ↑ حکمی، مرتضی، «حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوبی: پیشوای حوزه علمیه و مرجع عظیم‌النشأ»، ج ۱، ص ۶۰-۶۱، مسجد، سال ۱، ش ۵ (شهریور - مهر ۱۳۷۱).
۱۹۴. ↑ گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ۱، ص ۲۰۶-۲۰۷، تحقیقات اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).
۱۹۵. ↑ حکمی، مرتضی، «حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوبی: پیشوای حوزه علمیه و مرجع عظیم‌النشأ»، ج ۱، ص ۶۰، مسجد، سال ۱، ش ۵ (شهریور - مهر ۱۳۷۱).
۱۹۶. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۴-۳۰۰، نجف ۱۳۹۷.
۱۹۷. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، «پاسخ به استفتائاتی درباره حزب کمونیست»، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۱۹۸. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۷، نجف (۱۹۷۵-۱۹۷۶).
۱۹۹. ↑ غروی تبریزی، علی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی: التنقیح، ج ۱، ص ۳۶۷-۳۵۶، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، در موسوعة الامام الخوئی، ج ۱، قم: مؤسسة احیاء الآثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ هـ.
۲۰۰. ↑ غروی تبریزی، علی، التنقیح فی شرح مکاسب البیع، ج ۲، ص ۱۵۶-۱۹۴، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، (ج ۲)، در موسوعة الامام الخوئی، ج ۳۷، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ هـ.
۲۰۱. ↑ توحیدی، محمدعلی، مصباح الفقه فی المعاملات، ج ۵، ص ۳۲-۷۴، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲.
۲۰۲. ↑ عارفی، محمداکرم، اندیشه سیاسی آیت‌الله خوئی، ج ۱، ص ۴۲ به بعد، قم ۱۳۸۶ ش.
۲۰۳. ↑ موسوی اصفهانی، حسن، «دروس من اجلال الامام الخوئی (قس سره) لاسانتنته»، ج ۱، ص ۴۵، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۲۰۴. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۵-۸۰، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳، چاپ افسر قم (بی‌تا).
۲۰۵. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۴۹-۵۰، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳، چاپ افسر قم (بی‌تا).
۲۰۶. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم و جواد تبریزی، صراط‌النجاه: استفتاءات لآیت‌الله العظمی الخوئی مع تعلیقة و ملحق لآیت‌الله العظمی التبریزی، ج ۲، ص ۴۵۷، قم ۱۴۱۶-۱۴۱۸.
۲۰۷. ↑ سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۴۲، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۲۰۸. ↑ گرجی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوبی»، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵، تحقیقات اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ ش).
۲۰۹. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۵۴، قم ۱۹۷۴/۱۳۹۴.
۲۱۰. ↑ مجادله/سوره ۵۸، آیه ۱.
۲۱۱. ↑ ابازای، محمدعلی، «چه کسانی مروج مکتب تفسیری آیت‌الله خوئی شدند؟»، ج ۱، ص ۲۳۱، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۲۱۲. ↑ حکمی، مرتضی، «الامام الخوئی و انطلاقة العلامة الجعفری الفلسفیة»، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۲۱۳. ↑ قائینی، محمد، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قائینی»، ج ۱، ص ۲۲۴، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).
۲۱۴. ↑ مرتضی، جعفر، «الامام الخوئی»، ج ۱، ص ۲۶۱، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

۲۱۵. ↑ شیبیری زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۳، قم ۱۳۸۹ش.  
 ۲۱۶. ↑ غزوی، محمد، الحوزة العلمية فی النجف الاشرف، ص ۲۳۶؛ حوزة علمیه، بخش ۵: نجف، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۴.
۲۱۷. ↑ شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۹۸، تهران ۱۳۵۲-۱۳۵۴ش.  
 ۲۱۸. ↑ علیدوست، ابوالقاسم، «گفتگو با حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیدوست»، ج ۱، ص ۲۲۱، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).  
 ۲۱۹. ↑ ینزبلی، میرمحمد، «سرانجام مکتب دوگانه علامه وحید بهبهانی و شیخ مرتضی انصاری چه شد؟»، ص ۲۲۶، (مصلحیه)، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).  
 ۲۲۰. ↑ قانینی، محمد، «گفتگو با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد قانینی»، ج ۱، ص ۲۲۲، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).  
 ۲۲۱. ↑ یانویس، مرتضی، ج ۱، ص ۴۵۵-۴۵۴، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری قس سره، قم ۱۳۷۳ش.  
 ۲۲۲. ↑ انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۷۴، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).  
 ۲۲۳. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، قسم ۱، ص ۷۲-۷۱، مشهد، قسم ۴-۱، ۱۴۰۴.  
 ۲۲۴. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۲۷۸، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۲۵. ↑ مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ش.  
 ۲۲۶. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، کتب اجود التقریرات، ج ۱، ص ۲، تقریرات درس آیت‌الله نائینی، قم: کتابفروشی مصطفوی، (بی‌تا).  
 ۲۲۷. ↑ گرگی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوئی»، ج ۱، ص ۲۰۷، تحقیقات اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ش).  
 ۲۲۸. ↑ سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۴۰، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ش.  
 ۲۲۹. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۲۳.  
 ۲۳۰. ↑ مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ش.  
 ۲۳۱. ↑ انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۶۸، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).  
 ۲۳۲. ↑ مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ش.  
 ۲۳۳. ↑ جعفری، محمدتقی، رساله فی الامر بین الامرین، ج ۱، ص ۳، تقریرات درس آیت‌الله ابوالقاسم خوبی، در موسوعه الامام الخوئی، ج ۴۹، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰/۲۰۰۹.
۲۳۴. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۲۲.  
 ۲۳۵. ↑ مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱-۲۴۲، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ش.  
 ۲۳۶. ↑ مدرسی طباطبائی، حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه: کلیت و کتابشناسی، ج ۱، ص ۳۴۶، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد ۱۳۶۸ش.  
 ۲۳۷. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۴۰، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۳۸. ↑ مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۲، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ش.  
 ۲۳۹. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۸، ص ۱۲۹، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۴۰. ↑ موسوی خلخالی، محمدتقی، «السید ابوالقاسم الخوئی: الفقهی و الاصولی»، ص ۱۵، پانویس ۱، در الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).  
 ۲۴۱. ↑ موسوی خلخالی، محمدتقی، «السید ابوالقاسم الخوئی: الفقهی و الاصولی»، ص ۱۶، پانویس ۱، در الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).  
 ۲۴۲. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۲۱۹، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۴۳. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۶، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۴۴. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۶، ص ۳۱، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۴۵. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۶، ص ۲۲۶، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۴۶. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۲۵.  
 ۲۴۷. ↑ مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ش.  
 ۲۴۸. ↑ ایازی، محمدعلی، «چه کسانی مروج مکتب تفسیری آیت‌الله خوئی شدند؟»، ج ۱، ص ۲۳۱، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).  
 ۲۴۹. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۴، ص ۲۴۶، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۵۰. ↑ گرگی، ابوالقاسم، «نگاه کوتاهی به احوال و آثار آیت‌الله العظمی خوئی»، ج ۱، ص ۲۰۸، تحقیقات اسلامی، سال ۵، ش ۱ و ۲ (۱۳۶۹ش).  
 ۲۵۱. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، رساله فی اللباس المشکوک، ج ۱، ص ۳، موسوعه الامام الخوئی، ج ۴۹، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰/۲۰۰۹.  
 ۲۵۲. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۴۳۷، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۵۳. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۸، ص ۲۹۳، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۵۴. ↑ مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۱، ستون ۲۴۱، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ش.  
 ۲۵۵. ↑ مدرسی طباطبائی، حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه: کلیت و کتابشناسی، ج ۱، ص ۳۴۶، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد ۱۳۶۸ش.  
 ۲۵۶. ↑ که تاریخ ۱۳۶۱ را ذکر کرده‌اند، انصاری قمی، ناصرالدین، ج ۱، ص ۷۲، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).  
 ۲۵۷. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۵۳، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۵۸. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۲۱۳، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۵۹. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۳۵۴، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۶۰. ↑ آقابرگ طهرانی، محمدرضا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۳، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.  
 ۲۶۱. ↑ قسم ۱، ص ۷۲، آقابرگ طهرانی، محمدرضا، طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد، قسم ۴-۱، ۱۴۰۴.  
 ۲۶۲. ↑ طریحی، محمد سعید، «الامام الخوئی: سیرة مشرقیة و آثار خالدة»، ج ۱، ص ۷۴۵-۷۴۶، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴الف).  
 ۲۶۳. ↑ خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۲۲.  
 ۲۶۴. ↑ انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۷۴-۷۲، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).  
 ۲۶۵. ↑ مندی، احمد، «گفتگو با آیت‌الله سیداحمد مندی»، ج ۱، ص ۲۲۷، مهرنامه، ش ۱۲ (خرداد ۱۳۹۰).  
 ۲۶۶. ↑ صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۹۷، بیروت ۲۰۰۳/۱۴۲۴.  
 ۲۶۷. ↑ که ابن منظومه را دارای ۹۰۰ بیت معرفی کرده، صدرایی خوبی، علی، ج ۱، ص ۱۷۲، سیمای خوی، تهران ۱۳۷۳ش.  
 ۲۶۸. ↑ نصیری، ابراهیم، «الامام الراجل: مشاهدات و تذکریات»، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۳، الموسوم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).  
 ۲۶۹. ↑ طریحی، محمد سعید، «السید جمال‌الدین الخوئی: ۱۳۳۷-۱۴۰۴هـ»، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۷، الموسوم (۱۴۱۴ب).  
 ۲۷۰. ↑ امینی، محمدهادی، معجم رجال الفكر و الابد فی النجف خلال الف علم، ج ۱، ص ۱۷۰، نجف ۱۹۶۴/۱۳۸۴.

۲۷۱. ↑ شاکری، حسین، «الامام السيد الخوئي: سيرة و نكريلت»، ج ۱، ص ۲۵۴، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۲۷۲. ↑ شاکری، حسین، «الامام السيد الخوئي: سيرة و نكريلت»، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۵۷، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۲۷۳. ↑ سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۵۰، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۲۷۴. ↑ صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۵، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
۲۷۵. ↑ صغیر، محمد، اساطین المرجعیة الغلیا فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۳۰۳، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
۲۷۶. ↑ انصاری قمی، ناصرالدین، «نجوم امت: حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدابوالقاسم خوئی (رضوان‌الله‌علیه)»، ج ۱، ص ۹۶، نور علم، دوره ۴، ش ۱۱ (مهر و آبان ۱۳۷۱).
۲۷۷. ↑ «الساعلت الاخيرة فی حياة الامام الراحل»، ص ۳۰۱-۳۰۰، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۲۷۸. ↑ شاکری، حسین، «الامام السيد الخوئي: سيرة و نكريلت»، ج ۱، ص ۲۵۴، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۲۷۹. ↑ «الساعلت الاخيرة فی حياة الامام الراحل»، ص ۳۰۱-۳۰۰، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۲۸۰. ↑ سبحانی، جعفر، «مرجعیت در شیعه»، ج ۱، ص ۵۰، در یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی، مؤسسه خیریه آیت‌الله عظمای خوئی، ۱۳۷۲ ش.
۲۸۱. ↑ شهابی، سعیدمحمد، «رحیل الامام الخوئي: فصل آخر من فصول معاناة العراق»، ج ۱، ص ۳۳۸-۳۳۷، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).
۲۸۲. ↑ شاکری، حسین، «الامام السيد الخوئي: سيرة و نكريلت»، ج ۱، ص ۲۵۴، الموسم، ش ۱۷ (۱۴۱۴).

## منبع

سایت دانشنامه جهان اسلام، برگرفته از مقاله «خوئی ابوالقاسم»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۹/۱۲/۶.

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۹/۱۲/۶.

رده‌های این صفحه: اساتید حوزه علمیه | تراجم | درگذشتگان سده ۱۴ (قمری) | رجالین شیعه قرن ۱۵ (قمری) | رجالین شیعه قرن ۱۴ (قمری) | روحانیان شیعه اهل ایران | روحانیت  
 قبل از انقلاب | روحانیون مبارز | رهبران مذهبی اهل ایران | شاگردان آقا ضیاءالدین عراقی | شاگردان آیت‌الله میرزا محمدحسین نائینی | شاگردان شیخ شریعه اصفهانی | شاگردان  
 مجتواد بلاغی | شاگردان محمدحسین غروی اصفهانی کمپانی | عالمان شیعه قرن ۱۴ (قمری) | عالمان شیعه قرن ۱۵ (قمری) | عالمان نجف قرن ۱۴ (قمری) | عالمان نجف قرن ۱۵  
 (قمری) | فقیهان شیعه قرن ۱۴ (قمری) | فقیهان شیعه قرن ۱۵ (قمری) | متکلمان شیعه قرن ۱۴ (قمری) | متکلمان شیعه قرن ۱۵ (قمری) | مدفونان در حرم امام علی | مراجع تقلید  
 (درگذشته) | مراجع تقلید ساکن نجف | مفسران شیعه سده ۱۴ (شمسی) | مفسران شیعه قرن ۱۴ (قمری)